اربعین

جاذبه مغناطیس حسینی





اربعین
جاذبهٔ مغناطیس حسینی

تهیه‌کننده: پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق‌علیه‌السلام
به سفارش:

نویسنده: سیدرضی سیدنژاد
ناظر علمی: ابوالقاسم بخشیان
ناظر نهایی: حمید نگارش
ناظر سازمانی: علی حمیدی
سرویراستار: حسین قاسم‌حمزه
ویراستار: اشرف قوامی
واپایش نهایی: عبدالرحمن حیاتی‌اصل

ناشر: زمزم هدایت
صفحه‌آرا: روح‌الله جلالی
طراح جلد: رضا پارسای
ناظر چاپ: محسن مصباح‌فر

چاپ: مرکز چاپ سپاه
نوبت: اول / ۱۴۰۱
شمارگان: ۲۰۰۰

آدرس: قم، خیابان شهیدان فاطمی (دورشهر)،
نبش کوچهٔ ۳، پلاک ۸۱
تلفن: ۳۷۷۳۰۷۳۵ ـ ۰۲۵ / همراه: ۰۹۱۲ ۲۵۳ ۲۸ ۸۷

فهرست مطالب

پیشگفتار

در طول حیات پرفرازونشیب بشری، همواره انسان‌هایی درخشیده‌اند که با پرتوافکنی تابناک خویش، دیگر انسان‌ها را از ظلمت، جهل، تعصب و تباهی‌ها رهانیده‌اند. موج اندیشه‌های روشن چنین انسان‌هایی گاه محدود و محصور در دورهٔ زمانی گذشته بوده و پس از مدتی، رو به نابودی نهاده است. گاهی نیز این اندیشه‌ها قلمرو زمان و مکان را درنوردیده و جاودانه و پویا مشعل‌دار مسیر همهٔ انسان‌ها شده است. بی‌تردید در فهرست این راهنمایان و چراغ‌داران راه هدایت و روشنایی، نام امامان حق و عدالت و اوصیای پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ﷺ بر قله‌های بلند این کوه عظمت و بزرگی، می‌درخشد و همهٔ ستایشگران و اهل قلم و بیان از وصف جمال و کمال این اولیای راستین آل‌الله عاجزند.

این قافله‌سالاران علم، پاکی، نور و هدایت متعلق به عالم بشریت هستند و مقتدا و راهبر همهٔ آزاداندیشان و پاک‌طینتان و حق‌جویان‌اند. یکی از این چراغ‌داران هدایت و انسان‌های ملکوتی تربیت‌شده در دامن رسالت و نبوت و مکتب وحیانی نبوی و علوی، حضرت حسین بن علی علیه‌السلام است؛ آن انسان ملکوتی‌ای که به حیات معنا بخشید و تجسم جلوهٔ جمال و جلال الهی شد. بزرگ‌مردی که جانشین پیامبران و جلوه‌گر حقیقت ولایت و ظهور آن است. هم نیایش او مثال‌زدنی و بی‌مانند است که دعای عرفهٔ او را با هیچ سنجه‌ای از عارفانه‌های بشری نمی‌توان سنجید و حماسهٔ جاوید او بی‌مانندترین جلوهٔ احسان، جهاد در راه خدا و عشق و دلدادگی و شجاعت و تدبیر است که برای همیشه، اسلام را جاودانه ساخته است.

یکی از شعائر اسلام، برنامه و مراسم پرفیضِ معنوی و تربیتی اربعین امام حسین علیه‌السلام در بین شیعیان و انسان‌های آزادی‌خواه جهان بوده که از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و آیین و

آداب خاصی دارد. بر همین اساس، یکی از کتاب‌هایی که پاسخ‌گوی بخشی از نیاز رهپویان این مسیر معنوی و تربیتی است، کتاب اربعین؛ جاذبۀ مغناطیسی حسینی است که شامل مباحثی ازجمله اربعین و حوادث تاریخی آن، فلسفۀ یادآوری اربعین، اعمال روز اربعین مانند زیارت اربعین، فضیلت و آثار آن است. چنان‌که مقام معظم رهبری دام ظله فرموده است: «شروع جاذبۀ مغناطیسی حسینی در روز اربعین است.»[1]

پیشنهادها و تجربه‌های مربیان ارجمند و متربیان گرامی راهگشا و مشوق ما در برطرف کردن کاستی‌های متن‌های آموزشی خواهد بود. از همۀ خوانندگان ارجمند انتظار می‌رود دیدگاه‌های ارزشمند خود را دربارۀ این کتاب، به نشانی رایانامۀ (سراج اندیشه) ارسال کنند تا در چاپ‌های آینده از آنها استفاده شود.

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای دام ظله در دیدار با بسیجیان، ۱۳۹۵/۹/۳، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=34995.

در پایـان برخـود لازم مـی‌دانـیم از نویسـندۀ محترم متن، جنـاب حجـت‌الاسـلام سیدرضـی سیدنژاد، ناظر علمی آن جنـاب آقـای ابوالقاسـم بخشیان، و رئیس محترم پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه‌السلام حجت‌الاسلام والمسلمین حمیـد نگارش؛ و دیگر دست‌انـدرکاران تهیـۀ ایـن اثـر، صمیمانه تشکر کرده، توفیقات روزافزون ایشان را از خداوند متعال مسئلت نماییم.

ادارۀ برنامه‌ریزی، ارزشیابی
و تهیۀ متون آموزشی

مفهوم اربعین

الف) اربعین در لغت

اربعین، که واژه‌ای عربی است، در لغت به معنای «چهل» و «چهلم» است. این اصطلاح در متون دینی، حدیثی و تاریخی فراوان به‌کار رفته است. واژهٔ اربعین به معنای چهل، در چهار آیهٔ قرآن‌کریم آمده است:

۱. آیهٔ ۵۱ سورهٔ بقره: «وَ إِذْ واعَدْنا مُوسی أَرْبَعینَ لَیلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَنْتُمْ ظالِمُون»؛[۱] این آیه به اعتکاف چهل‌روزهٔ حضرت موسی علیه‌السلام برای دریافت لوح‌های هفتگانه اشاره دارد؛

۲. آیهٔ ۱۴۲ سورهٔ اعراف: «وَ واعَدْنا مُوسی

---

۱. «و به یاد آورید هنگامی را که با موسی چهل شب وعده گذاردیم، [و او برای گرفتن فرمان‌های الهی، به میعادگاه آمد] سپس شما گوساله را بعد از او [معبود خود] انتخاب کردید؛ درحالی‌که ستمکار بودید.»

ثَلاثينَ لَيلَةً وَ أَتْمَمْناها بِعَشْرٍ فَتَمَّ ميقاتُ رَبِّهِ أَرْبَعينَ لَيلَةً وَ قالَ مُوسى لِأَخيهِ هارُونَ اخْلُفْنى فى قَوْمى وَ أَصْلِحْ وَ لا تَتَّبِعْ سَبيلَ الْمُفْسِدينَ»؛[1] که مانند آیهٔ قبل، به اعتکاف حضرت موسی علیه السلام مربوط است؛

۳. آیهٔ ۲۶ سورهٔ مائده: «قالَ فَإِنَّها مُحَرَّمَةٌ عَلَيهِمْ أَرْبَعينَ سَنَةً يتيهُونَ فِى الْأَرْضِ فَلا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفاسِقينَ»؛[2] که به محکوم شدن قوم بنی‌اسرائیل به سرگردانی چهل‌ساله، به‌دلیل نافرمانی برای ورود به ارض مقدس و مبارزه با ساکنان ظالم آن، اشاره دارد؛

٤. آیهٔ ۱۵ سورهٔ احقاف: «وَ وَصَّينَا الْإِنْسانَ بِوالِدَيهِ إِحْساناً حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كرْهاً وَ وَضَعَتْهُ كرْهاً وَ حَمْلُهُ وَ

---

۱. و ما با موسی، سی شب وعده گذاشتیم؛ سپس آن را با ده شب [دیگر] تکمیل کردیم؛ به این ترتیب، میعاد پروردگارش [با او] چهل شب تمام شد و موسی به برادرش هارون گفت: «جانشین من در میان قومم باش و [آنها را] اصلاح کن و از روش مفسدان، پیروی منما.»

۲. خداوند [به موسی] فرمود: «این سرزمین [مقدس] تا چهل سال بر آنها ممنوع است [و به آن نخواهند رسید]، پیوسته در زمین [و در این بیابان]، سرگردان خواهند بود و دربارهٔ [سرنوشت] این جمعیت گنهکار، غمگین مباش.»

فِصالُهُ ثَلاثُونَ شَهْراً حَتَّی إِذا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعینَ سَنَةً قالَ رَبِّ أَوْزِعْنی أَنْ أَشْكرَ نِعْمَتَک الَّتی أَنْعَمْتَ عَلَی وَ عَلی والِدَی وَ أَنْ أَعْمَلَ صالِحاً تَرْضاهُ وَ أَصْلِحْ لی فی ذُرِّیتی إِنِّی تُبْتُ إِلَیک وَ إِنِّی مِنَ الْمُسْلِمین»؛[1] که به بلوغ فکری و عقلانی انسان اشاره دارد؛ معروف است بیشتر انسان‌ها در چهل‌سالگی به مرحلهٔ کمال عقل می‌رسند[2] و بیشتر پیامبران در چهل‌سالگی به نبوت برگزیده شدند.

در روایات و احادیث نیز بارها عدد چهل

---

۱. ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل‌سالگی بالغ شد، می‌گوید: «پروردگارا، مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی به‌جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی، و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به‌سوی تو بازمی‌گردم و توبه می‌کنم، و من از مسلمانانم.»

۲. محمدمهدی‌بن مرتضی بحرالعلوم، رسالهٔ سیر و سلوک، مقدمه و شرح سیدمحمدحسین حسینی طهرانی، تهران، علامه طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۳۰-۳۱.

به‌کار رفته است. سفارش به خواندن چهل‌روزۀ دعای عهد در صبحگاهان،[1] حضور یافتن چهل تن در تشییع جنازۀ مؤمن و گواهی دادن آنها به ایمان و نیکی او،[2] تصریح به آثار و برکات چهل‌روزۀ برخی خوراکی‌ها، گریۀ چهل روز زمین بر انسان مؤمن،[3] آثار چهل‌روزۀ برخی گناهان مانند پذیرفته نشدن عمل حرام‌خوار تا چهل روز، ضرورت انجام برخی اعمال و دعاها در چهل

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۹۵.

۲. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «آن‌گاه که مؤمنی بمیرد و چهل مؤمن بر جنازه‌اش حاضر شوند و بگویند خدایا، ما از او چیزی جز خیر ندیدیم و تو بر او از ما داناتری، خداوند تبارک و تعالی می‌فرمایند: شهادت شما را قبول کردم و او را آمرزیدم» (محمدبن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ص ۲۹).

۳. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «زمین بر مؤمن بعد از فوت او چهل روز می‌گرید» (میرزا حبیب‌الله هاشمی خوئی، منهاج البراعة فی شرح نهج‌البلاغة، ترجمۀ حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تصحیح ابراهیم میانجی، تهران، مکتبة الإسلامیة، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۱۶۵).

روز و... ازجمله مواردی است که در منابع دینی از آن سخن به میان آمده است.[1]

در معارف عرفانی نیز، عدد چهل جایگاه ویژه‌ای دارد. چله‌نشینی برای رفع حاجت یا رسیدن به مقام‌های معنوی و عرفانی معروف است. حفظ کردن چهل حدیث،[2] اخلاص چهل صباح،[3] کمال عقل در چهل‌سالگی، دعا برای

---

۱. ر.ک. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۶۹؛ محمدبن علی‌بن بابویه قمی(شیخ صدوق)، الخصال، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۳۷ ـ ۵۳۸، ٥٤١ و ۵۴۴.

۲. «هریک از شیعیان ما چهل حدیث را حفظ کند، خداوند در روز قیامت او را فقیه و عالم برمی‌انگیزد و او را عذاب نمی‌کند» (محمدبن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۷، ص ۲۹).

۳. ر.ک. محمدبن علی‌بن بابویه قمی(شیخ صدوق)، عیون أخبار الرضا، تهران، جهان، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۶۹؛ محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۶. برای نمونه از رسول خدا نقل شده است که: «کسی که چهل روز اعمال خود را خالصانه انجام دهد، خداوند چشمه‌های حکمت و دانش را از قلبش بر زبانش می‌گشاید» (محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷، ج ٤، ص ۱۹۳۰).

چهل مؤمن، چهل شب چهارشنبه و... بسیاری از این نمونه‌ها و موارد است.

همچنان‌که از موارد یادشده برمی‌آید، عدد چهل کاربردهای بسیاری در فرهنگ دینی دارد؛ ولی برخلاف تصور برخی از افراد، استفادهٔ بسیار از عددی دلیل بر تقدس آن نمی‌شود؛ هرچند ناخواسته برخی از این اعداد در طول روزگاران، برای مردم عادی، صورت تقدس به خود گرفته و گاه سوءاستفاده‌هایی هم از آنها می‌شود. این یادآوری، ازآن‌روست که برخی از فرقه‌های مذهبی، به‌ویژه آنها که تمایلات باطنی‌گری داشته یا دارند و گاه‌وبیگاه خود را به شیعه نیز منسوب می‌کرده‌اند، و نیز برخی از شبه‌فیلسوفان متأثر از اندیشه‌های انحرافی و باطنی و اسماعیلی، مروج چنین اندیشه‌ای دربارهٔ اعداد یا نوع حروف بوده و هستند. درواقع، بسیاری از اعدادی که در نقل‌های دینی آمده، می‌تواند براساس محاسبه‌ای الهی باشد، ولی اینکه این عدد در موارد دیگری هم کاربرد دارد و بدون مستند دینی، می‌توان از آن در موارد دیگر استفاده کرد، پذیرفتنی نیست.

ب) اربعین در اصطلاح

اربعین در اصطلاح رایج در میان مردم، جلسهٔ یادبودی است که به‌طور معمول، پس از چهل روز از درگذشت فردی تشکیل می‌شود تا بتوانند ضمن هدیه کردن ثواب و بهره‌ای به روح وی، از فراموش شدن نامش جلوگیری کنند. ازاین‌رو، با تشکیل جلسات و بیان فضایل و رفتارهای نیک او، نامش را در دل‌ها و خاطره‌ها زنده می‌کنند. این مراسم نه تنها در میان مسلمانان رایج است، بلکه اقوام و مذاهب دیگر نیز مراسمی مانند این دارند. برای نمونه، مسیحیان نیز پس از گذشت چهل روز از درگذشت فرد، در کلیسای خود جلسه‌ای تشکیل می‌دهند و دوباره بر او، نماز جنازه می‌خوانند و همین مراسم را در نیمهٔ سال درگذشت و در پایان آن سال نیز تکرار می‌کنند. یهودیان نیز مراسم عزا و سوگواری را بعد از گذشت سی روز و پس از نه ماه و در پایان یک سال انجام می‌دهند. تمام این تشریفات و مراسم برای این است که اگر وی از بزرگان بوده، برای مردم الگو باشد و یادش ماندگار شود.[1]

---

۱. سیدعبدالرزاق مقرم، سالار کربلا، حسین‌بن علی علیه‌السلام، قم، سیدالشهدا علیه‌السلام، ۱۳۸۲، ص ۵۷۹.

پ) اربعین در فرهنگ شیعه

اربعین در فرهنگ شیعه به چهلمین روز شهادت حضرت حسین بن علی علیه‌السلام و یاران باوفایش گفته می‌شود که به اتفاق‌نظر مورخان و دانشمندان روز بیستم صفر است. در این روز، شیعیان به یاد شهادت امام حسین علیه‌السلام بزرگ‌ترین مراسم سوگواری و عزاداری برپا می‌کنند و به تعظیم شعائر دینی می‌پردازند. از میان اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، تنها برای اباعبدالله الحسین علیه‌السلام مراسم اربعین می‌گیرند؛ بنابراین، می‌توان اربعین را از اختصاصات سیدالشهدا علیه‌السلام دانست. گزارش‌های تاریخی نیز روشنگر این حقیقت است که اربعین پیش از شهادت امام حسین علیه‌السلام موضوعیت نداشته است و این آیین و زیارت با درایت و کیاست اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌طور ویژه برای سیدالشهدا علیه‌السلام و یاران باوفایش طراحی و فرهنگ‌سازی شده است.

از نظر تاریخی و حدیثی، نمی‌توان هیچ پیشینه‌ای برای اربعین و اعمال مربوط به این روز تا پیش از حادثهٔ عاشورا پیدا کرد و این ویژگی و

امتیاز، تنها از آنِ امام حسین﷣ است. بی‌شک، این تأکید به عزاداری بر حضرت سیدالشهدا﷣ به‌خاطر فلسفه‌های سازنده و تربیتی متعددی مانند زنده داشتن یاد و تاریخ پرشکوه نهضت حسینی، الهام‌بخش روح انقلابی و ستم‌ستیزی، پیوند عمیق عاطفی بین امت و الگوهای راستین، برپایی مجالس دینی در سطح گسترده و آشنا شدن توده‌ها با معارف دینی، پالایش روح و تزکیهٔ نفس، اعلام وفاداری نسبت‌به مظلوم و مخالفت با ظالم و... است. مرحوم مقرم در بیان فلسفهٔ اربعین برای سیدالشهدا﷣ می‌نویسد:

> اربعین اختصاصی به اربعین سال اول فوت ندارد. در هر سال، روز اربعین دارای مزایا خواهد بود. اما اینکه در انسان‌های معمولی، فقط سال اول فوت را اربعین می‌گیرند، به‌خاطر این است که مزایا و فضایل آنها محدود و تمام‌شدنی است. برخلاف سیدالشهدا﷣ که مزایایش نامحدود و فضائلش بی حساب و شمار است؛ به قسمی که هر اندازه تکرار شود، درس تازه‌ای خواهد بود و هر اندازه نسل‌ها

پیشرفته و مترقی شوند، هر نسلی نیاز مبرمی به او احساس می‌کند. چنانچه تشکیل جلسات عزاداری در کنار مرقد مطهرش در هر اربعین موجب احیای نهضت و مایۀ ننگ و نفرت از دستگاه بنی‌امیه خواهد بود که چنین جنایاتی را مرتکب شدند. هر اندازه گوینده و یا شاعر و ثناخوان حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام در داستان کربلا و نهضت مقدس حسین علیه‌السلام بیشتر دقت کند و امعان‌نظر کند، درهایی از فضایل آن بزرگوار برایش باز می‌شود که پیش‌تر به رویش بسته بوده است؛ به همین جهت، عادت شیعیان بر این قرار گرفته است که در هر سال و در هر اربعین با این مسائل تجدید عهد می‌کنند.[1]

در کنار بیان فلسفه گرامیداشت اربعین حسینی، شواهد و وجوهی برای برگزاری اربعین برای سیدالشهدا علیه‌السلام از روایات استفاده شده است. برای نمونه، از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که خطاب به زراره می‌فرماید:

یا زُرَارَةُ إِنَّ السَّمَاءَ بَکتْ عَلَی الْحُسَینِ أَرْبَعِینَ

---

۱. همان.

صَبَاحاً بِالدَّمِ وَ إِنَّ الْأَرْضَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالسَّوَادِ وَ إِنَّ الشَّمْسَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً بِالْكُسُوفِ وَ الْحُمْرَةِ... وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ بَكَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً عَلَى الْحُسَيْنِ عليه‌السلام.[1]

ای زراره، آسمان چهل روز بر حسین علیه‌السلام خون گریه کرد و زمین چهل روز برای عزای آن حضرت گریست به تیره و تار شدن و خورشید با کسوف و سرخی خود چهل روز گریست... و ملائکهٔ الهی برای آن حضرت چهل روز گریستند.

دلیل دیگر بزرگداشت اربعین سیدالشهدا علیه‌السلام، روایتی از امام حسن عسکری علیه‌السلام است که نشانه‌های مؤمن را پنج چیز دانسته و یکی از آنها را زیارت اربعین عنوان کرده‌اند:

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخَتُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ.[2]

---

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۰، ص ۳۱۳.
۲. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۵، ص ۳۴۸.
مرحوم مقرم در ذیل روایت می‌نویسد: «جلسهٔ یادبود و عزای امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین را کسانی تشکیل می‌دهند که بستگی و ارتباط به ولایت داشته باشند و ←

پنج چیز علامت مؤمن است: ۵۱ رکعت نماز (در شبانه‌روز)، زیارت اربعین، انگشتری در دست راست کردن، پیشانی به خاک مالیدن و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ» را در نماز آشکارا گفتن.

افزون‌براین، امام صادقؑ زیارت اربعین را به صفوان بن مهران جمّال تعلیم داده است که در آن، به بزرگداشت اربعین تصریح شده است.[۱]

← بخواهند بدین وسیله، از آنها مشایعت و پیروی کنند. بی‌تردید کسانی با او بستگی و ارتباط خواهند داشت که معتقد و معترف به امامت حضرت باشند. بنابراین، یکی از علائم ایمان و داشتن ولایت حضرت سیدالشهداؑ، حضور در کنار مرقد شریف آن بزرگوار در روز اربعین است برای برپا داشتن عزا و تجدید عهد با حسین و یاران و اهل‌بیت آن حضرت» (سیدعبدالرزاق مقرم، همان، ص ۵۸۰).

۱. محمدبن حسن طوسی، مصباح المتهجّد و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسهٔ فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق، ص ۷۸۸ و ۷۸۹؛ ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۶۵، ص ۱۳۰.

حوادث تاریخی اربعین
(واقعهٔ اربعین)

براساس گزارش‌های تاریخی، اهل‌بیت‌علیهم‌السلام در مسیر اسارت، از کوفه به‌سوی شام برده شدند. ایشان به مدت هفت روز در آنجا اقامت داشتند و سپس، نعمان بن بشیر به دستور یزید بن معاویه، وسایل سفر آنان را فراهم کرد و به همراهی مردی امین آنان را روانهٔ مدینهٔ منوره کرد.[1] اهل‌بیت‌علیهم‌السلام

---

۱. مطابق نقل شیخ مفید ریاست کاروان به‌عهده نعمان‌بن بشیر بود (ر.ک. محمدبن محمد مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگرهٔ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۲۶). ولی از کلام علامه مجلسی و طبری (محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، بیروت، مؤسسهٔ اعلمی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۳۵۳) استفاده می‌شود که یزید از نعمان بن بشیر خواست این کاروان را آمادهٔ حرکت کند و مردی مورد اعتماد را همراه با مراقبان و محافظان با آنها روانه کند. ازاین‌رو، در قمقام زخّار (فرهادمیرزا ←

وقتی به دوراهی جادهٔ عراق و مدینه رسیدند، از امیر کاروان خواستند تا آنان را به کربلا ببرد و او کاروان اسیران را به‌سوی کربلا حرکت داد. طبق گفته‌های تاریخی، اهل‌بیت علیهم‌السلام در همان سال ٦١ در روز بیستم صفر (اربعین حسینی) وارد کربلا شدند و پس از ورود به کربلا، سخت گریستند و ناله و زاری کردند و بر صورت خود سیلی زدند و ناله‌های جانسوز سر دادند و برای شهیدان خود، عزاداری کردند.

← قاجار، قمقام زخّار و صمصام بتار، تهران، اسلامیه، ص ۵۷۹) آمده است که مطابق قولی سرپرستی آنان به‌عهدهٔ بشیر بن حذلم بود. به‌هرحال، ممکن است سرپرستی این گروه را نعمان بن بشیر برعهده داشت و بشیر بن حذلم از نگهبانان همراه بوده که بعدها به هنگام ورود به مدینه، امام سجاد علیه‌السلام از او خواست تا خبر ورودشان را به اطلاع مردم برساند؛ یا نعمان بن بشیر از همان شام این کاروان را آمادهٔ رفتن کرد و سرپرستی و راهنمایی کاروان را به‌عهدهٔ بشیر بن حذلم نهاد، ولی خودش همراه آنان نبود (ر.ک. سعید داودی و مهدی رستم‌نژاد، عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم، مدرسهٔ امام علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۸۸، ص ۶۲۱).

زینب کبری علیها السلام وقتی وارد کربلا شد، در میان جمع زنان آمد و گریبان چاک کرد و با صدایی غمگین، که دل‌ها را جریحه‌دار می‌کرد، گفت: **«وا اَخاهُ! واحسیناهُ! وا حَبیبَ رَسولِ اللّهِ و ابن مکةَ و منی وابنَ فاطمه الزهراء وابن علی المرتضی. آهٍ ثم آه»** سپس بیهوش شد.

آنگاه ام‌کلثوم لطمه به صورت زد و با صدایی بلند گفت: امروز محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام از دنیا رفته‌اند و دیگر زنان نیز سیلی به صورت زده و گریه و شیون کردند.

سکنیه علیها السلام چون چنین دید، فریاد زد: وا محمداه! وا جداه! چه سخت است بر تو تحمل آنچه با اهل‌بیت تو کرده‌اند، آنان را از دم تیغ گذراندند و بعد عریانشان کردند.[۱]

براساس گزارش‌های تاریخی، پس از سه روز عزاداری، امام سجاد علیه السلام چاره‌ای جز این ندید که

---

۱. علی نظری منفرد، قصهٔ کربلا، تهران، سرور، ۱۳۷۹، ص۵۲۴-۵۲۵.

دستور حرکت از کربلا را به‌سوی مدینه صادر کند؛ چراکه می‌دید عمه‌هایش و زنان و کودکان شب و روز آرام و قرار ندارند و به نوحه و گریه می‌پردازند. از کنار قبری برمی‌خیزند و در جوار قبری دیگر می‌نشینند (خوف آن بود که آنجا جان خود را از دست دهند).[۱]

در برخی از منابع تاریخی و حدیثی تصریح شده است که الحاق سر مبارک سیدالشهدا علیه‌السلام و شهدای دیگر کربلا در همین اربعین اتفاق افتاده است و اهل‌بیت علیهم‌السلام همراه سرهای مبارک شهیدان، از دمشق خارج شدند و سرهای مقدس را به کربلا بازگردانده، آنها را به خاک سپردند.[۲]

---

۱. ر.ک. عبدالرزاق مقرم، همان، ص ۵۷۴.

۲. ر.ک. محمد بن علی بن بابویه قمی(شیخ صدوق)، الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.ص ۱۶۸؛ محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة‌الواعظین، قم، رضی، ۱۳۷۵، ص ۱۹۲؛ محمد بن علی بن شهرآشوب، مناقب آل‌ابی طالب علیهم‌السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۸۵؛ یوسف بن قزاوغلی سبط بن جوزی، تذکرة الخواص، قم، شریف رضی، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰؛ محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۴۵، ص ۱۴۵.

الف) نخستین زائر اربعین

پس از شهادت امام حسین‌علیه‌السلام و یاران گران‌قدرش، جامعهٔ اسلامی مرعوب قدرت و خون‌ریزی‌های یزید بود. ولی جابر از افرادی نبود که تحت‌تأثیر وحشت قرار گیرد، بلکه برای معرفی عظمت و علت شهادت امام حسین‌علیه‌السلام کوشش‌های فراوانی کرد. او از شهر مدینه روانهٔ کربلا شد تا بوسه بر خاک پاک قبر شهیدان راه حق زند و بدین وسیله، نفرت و خشم خود را اعلام کند و مخالفان و دشمنان آن حضرت را رسوا سازد. این روش جابر از اهمیت والایی برخوردار بود؛ زیرا:

۱. تا آن زمان، مردم هنوز از قدرت یزید، وحشت داشتند و کسی جرئت نمی‌کرد آشکارا به زیارت قبر آن حضرت برود؛

۲. جابر فردی عادی نبود، بلکه یکی از صحابه و یاران بزرگوار و برجستهٔ پیامبر‌صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌شمار می‌رفت که در میان مسلمانان و مردم از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بود.

بنابراین، هنگامی که جابربن عبدالله از مدینه

رهسپار زیارت امام حسین‌علیه‌السلام شد، ضربهٔ کوبنده‌ای بر حکومت یزید وارد ساخت. جابر همراه «عطیه» فرزند سعد کوفی، یکی از تابعان و بزرگان و راویان شیعه و از محدثان ارجمند، راهی کربلا شد. آنان در بیستم صفر سال ۶۱ هجری قمری، در چهلمین روز شهادت امام حسین‌علیه‌السلام، به زیارت قبر امام حسین‌علیه‌السلام نائل شدند. در آن هنگام، کاروان اسیران اهل‌بیت‌علیهم‌السلام از شام بازگشتند و وارد کربلا شدند و همراه جابر و مردم اطراف کربلا به سوگواری پرداختند. زیارت جابر زیارتی عادی نبود، بلکه حرکتی حماسی همراه با اشک و آه و حسرت بود؛ زیرا او با این شیوه، درس بزرگی در زمینهٔ ولایت و ابراز علاقه به خاندان پیامبرصلی‌الله‌علیه‌وآله به آیندگان آموخت. و حقانیت اهل‌بیت‌علیهم‌السلام را ثابت و غاصبان حکومت را رسوا کرد.

عطیه می‌گوید: همراه جابربن عبدالله انصاری به زیارت قبر امام حسین‌علیه‌السلام رهسپار شدیم. هنگامی که نزدیک کربلا رسیدیم، جابر در رود فرات غسل کرد و لباس پوشید. عطری که همراه

داشت را باز کرد و مقداری از آن را بر بـدن خـود پاشید و خویشتن را خوشبو ساخت و هـر گـامی که به‌سوی قبر امام حسین علیه‌السلام برمی‌داشت، زبانش به ذکر و یاد خدا گویا بود.

هنگامی که نزدیک قبر رسید، گفت: دست مرا به قبر برسان. دست او را روی قبر نهادم. جـابر از بسیاریِ غـم و انـدوه از هـوش رفـت و روی قبـر افتاد. من آب به سر و صورتش پاشیدم. آنگاه کـه به هوش آمد، سه بار فریاد زد: یا حسـین! سـپس گفت: چگونه دوستی اسـت کـه جـواب دوسـت خود را نمی‌دهد؟

آنگـاه پاسـخ خـود را داد و گفـت: چگونـه مـی‌تـوانی پاسـخ بـدهی، درحـالی‌کـه رگ‌هـای گردنت بریده شده، خونت ریخته شده و سرت از بدن جدا شده است؟ سپس ادامه داد:

فَأَشْـهَدُ أَنَّـک ابْـنُ خَیـرِ النَّبِیـینَ، وَابْـنُ سَـیدِ الْمُؤْمِنینَ، وَابْنُ حَلیفِ التَّقْوی، وَسَلیلُ الْهُدی، وَخامِسُ أَصْحابِ الْکساءِ، وَابْـنُ سَـیدِالنُّقَباءِ، وَابْنُ فاطِمَةَ سَـیدَةِ النِّسـاءِ، وَمالَـک لاتَکـونُ هکذا وَقَدْ غَذَّتْک کفُّ سَیدِ الْمُرْسَلینَ، وَرُبِّیـتَ

فِی حِجْرِ الْمُتَّقینَ، وَرَضَعْتَ مِنْ ثَدْیِ الْإیمانِ، وَفُطِمْتَ بِالْإِسْلامِ، فَطِبْتَ حَیاً، وَطِبْتَ مَیتاً، غَیرَ أَنَّ قُلُوبَ الْمُؤْمِنینَ غَیرُ طَیبَةٍ لِفِراقِک، وَلا شاکةٍ فِی الْخِیرَةِ لَک، فَعَلَیک سَلامُ اللَّهِ وَرِضْوانُهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّک مَضَیتَ عَلی ما مَضی عَلَیهِ أَخُوک یحْیی بْنُ زَکرِیا.

گواهی می‌دهم که تو زادهٔ بهترین پیامبران، فرزند سرور مؤمنان، همزاد تقوا، از نسل هدایت و پنجمین عضو اصحاب کسا، فرزند سرور برگزیدگان الهی و زادهٔ زهرای اطهر عليها‌السلام، سرور زنان جهان هستی. چگونه چنین نباشد، درحالی‌که از دست سرور پیامبران غذا خورده‌ای، در دامن پرهیزگاران پرورش یافته‌ای، از پستان ایمان شیر نوشیده‌ای و با نور اسلام از شیر گرفته شده‌ای. تو چه در زندگی و چه پس از مرگ، پاک بوده‌ای. دل‌های مؤمنان از دوری تو آزرده شده است، ولی تو همواره زنده هستی. سلام و درود خداوند بر تو باد. گواهی می‌دهم که در راه برادرت یحیی‌بن زکریا گام نهادی و همانند وی شهید شدی.

سپس جابر (مانند انسان نابینا) به اطراف قبر نگریست و چنین گفت:

السَّلَامُ عَلَیکمْ أَیتُهَا الْأَرْوَاحُ الَّتِی حَلَّتْ بِفِنَاءِ الْحُسَینِ وَ أَنَاخَتْ بِرَحْلِهِ وَ أَشْهَدُ أَنَّکمْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَ آتَیتُمُ الزَّکاةَ وَ أَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَیتُمْ عَنِ الْمُنْکرِ وَ جَاهَدْتُمُ الْمُلْحِدِینَ وَ عَبَدْتُمُ اللَّهَ حَتَّی أَتَاکمُ الْیقِینُ وَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ نَبِیاً لَقَدْ شَارَکنَاکمْ فِیمَا دَخَلْتُمْ فِیه.[۱]

درود بر شما روان‌های پاکی که در آستان حسین علیه‌السلام خفته و در بارگاه وی آرمیده‌اید. گواهی می‌دهم که شما نماز را برپا داشتید و زکات را پرداختید. امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کردید. با بی‌دینان جنگیدید. خدا را پرستش کردید تا اینکه مرگ را در آغوش گرفتید. سوگند به خداوندی که محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله را به پیامبری بر انگیخته است، ما نیز در پاداش شما شریکیم.

عطیه می‌گوید: پرسیدم چگونه در پاداش این شهیدان با آنان شریک هستیم، درحالی‌که در راه شهادت قدمی برنداشتیم و شمشیری نزده‌ایم؟ و حال آنکه سرهای آنان در راه خدا از تن جدا شد و فرزندانشان یتیم و همسرانشان بیوه شدند؟

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۱۹۶.

جابر پاسخ داد: ای عطیه، من از پیامبر خداﷺ شنیدم که می‌فرمود: «هر کس هر گروهی را دوست بدارد، روز رستاخیز در صف آنان قرار می‌گیرد و با آنان در یک مکان گرد می‌آید و هر کس رفتار هر گروهی را دوست بدارد، در پاداش یا کیفر عمل آنان شریک خواهد بود.» سوگند به خدایی که محمدﷺ را به پیامبری برانگیخته، نیت و اعتقاد من و یارانم همان اعتقاد و نیت حسین عليه‌السلام و یارانش می‌باشد.[۱]

عطیه می‌گوید: در این هنگام، سیاهی کاروانی ازسوی شام پدیدار شد. به جابر گفتم: اینک سیاهی کاروانی ازسوی شام نمودار است. جابر گفت: برو از این کاروان برای ما خبری بیاور. اگر از افراد عمربن سعد بودند، برگرد و خبر ده. عطیه رفت و طولی نکشید که برگشت و گفت: جابر، برخیز و از حرم رسول خداﷺ استقبال کن. اینک زین‌العابدین عليه‌السلام است که همراه عمه‌ها و خواهرانش می‌آیند.

۱. ر.ک. همان، ج ۶۵، ص ۱۳۰.

جابر با سر و پای برهنه حرکت کـرد. هنگـامی که نزدیک امام سجادعليه‌السلام رسید، امام به وی فرمود: تو جابر هستی؟ عرض کرد: آری. امام فرمود:

یا جابِرُ هیهُنـا وَ اللـهِ قُتِلَـتْ رِجالُنـا، وَ ذُبِحَـتْ أَطْفالُنا، وَ سُبِیتْ نِساؤُنا وَ حُرِّقَتْ خِیامُنا.[1]

ای جابر به خدا سوگند، در ایـن مکـان بـود که مردان ما کشته شدند، کودکان مـا را سـر بریدند و زنان ما اسیر شدند و خیمه‌های مـا را آتش زدند.

۱. سیدمحسـن امـین، اعیـان الشـیعه، بیـروت، دارالتعـارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۴۷.

فلسفهٔ یادآوری اربعین

سنت اربعین توسط امام سجاد علیه‌السلام و عقیلهٔ بنی‌هاشم، زینب کبری علیهاالسلام و صحابهٔ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله جناب جابر و عطیه آغاز شد و ادامه یافت و با تأیید و تأکید معصومان علیهم‌السلام بر استمرار آن، تثبیت شد؛ تا این حقیقت را بر جهانیان روشن سازد که اربعین امتداد جریان عاشوراست و عاشورا را باید به یاری اربعین و کاروان پیاده‌روی آن زنده کرد. مرحوم مقرم رحمه‌الله در بیان فلسفهٔ یادآوری اربعین می‌نویسد:

رنجی که حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام برای تحکیم پایه‌های اسلام و زدودن خارهای باطل از سر راه اسلام و توجه دادن توده‌ها به جرائم جنایتکاران برد، درست همان مشکلات و مسائلی است که شخص رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برای بنیان‌گذاری و نشر اسلام برده است. ازاین‌رو، دانشمندان دین دیدگان توده‌ها را متوجه این نهضت مقدس

کرده‌اند؛ زیرا در این نهضت فجایعی از بنی‌امیه سر زده است که دل سنگ را می‌شکافد. معلوم است که مواظبت بر اظهار مظلومیت امام حسین علیه‌السلام احساسات و عواطف عمومی را برمی‌انگیزد و دل‌ها را تسخیر می‌کند... ازاین‌رو، ترغیب و تشویق برای اقامهٔ عزا و ماتم در اربعین امامان دیگر نشده است؛ حتی برای شخص رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله. این ترغیب و تشویق نیست و تنها دربارهٔ اربعین امام حسین علیه‌السلام که چون ذکر مصائب آن بزرگوار عامل بسیاری مؤثری برای ابقای دین به‌شمار می‌رود و چون توجه انظار عموی به مصائب کربلا برای احیای امر ائمه، که به آن امر کرده‌اند،[1] محسوس‌تر است؛ بنابراین، تنها دربارهٔ اربعین این امام است که توصیه شده و از نشانه‌های ایمان به‌شمار آمده است.[2]

پس، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین فلسفهٔ بزرگداشت اربعین حسینی، زنده نگه‌داشتن نام و یاد و راه سیدالشهدا علیه‌السلام است. روشن است برای رهایی از

---

۱. «...تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقَوْا وَ تَذَاكَرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيوهُ» (ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۷۱، ص ۳۵۲).

۲. عبدالرزاق مقرم، همان، ص ۵۸۲.

ذلت و بردگی و بازیابی عزت و آزادگی و فراهم ساختن زمینه برای انقلاب فرهنگی ریشه‌دار و بنیادی در سطحی گسترده بر ضد بیداد و خفقان و تحریف حقایق، راهی جز آگاهی و بیدارسازی و روشنگری مردم نیست. اکنون که نهضت سید و سالار شهیدان به وقوع پیوسته است، باید همچون امام سجاد علیه‌السلام این نهضت را شکوفا کرد و به بار نشاند. حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام گام‌های اساسی برای بیدارسازی مردم را برداشته است، اکنون باید گام دوم آن، یعنی رساندن پیام قیام کربلا را همچون امام سجاد علیه‌السلام و زینب کبری علیهاالسلام به سرانجام رساند. فلسفهٔ بزرگداشت شهادت سید و سالار شهیدان و یاران باوفایش در اربعین همین است. اربعین حسینی استمرار نهضت عاشوراست که ازسویی بیدارگر وجدان‌ها و برانگیزانندهٔ انسان‌ها برای مبارزه با ستم و زور بود، ازسویی رسواکنندهٔ حاکمانی که از جهل و غفلت مردم بهره می‌گرفتند و با نام دین، سلطهٔ جابرانه و ضددینی داشتند. اربعین، تحقق وعدهٔ عقیلهٔ بنی‌هاشم زینب کبری علیهاالسلام است که در دربار یزید فرمود:

فَکدْ کیدَک، وَ اسْعَ سَعْیک، وَ ناصِبْ جُهْدَک، فَوَاللهِ لا تَمْحُو ذِکرَنا، وَ لا تُمِیتُ وَحْینا، وَ لا تُدْرِک أَمَدَنا، وَ لا تَرْحَضُ عَنْک عارَها.[۱]

[ای یزید] هرچه نیرنگ داری به‌کار بند و نهایت تلاشت را بکن و هر کوششی که داری به‌کار گیر؛ اما به خدا سوگند [با همهٔ این تلاش‌ها] یاد ما را [از خاطره‌ها] محو نخواهی کرد و [چراغ] وحی ما را خاموش نتوانی کرد و به موقعیت و جایگاه ما آسیب نخواهی رساند. هرگز لکهٔ ننگ این کار از تو پاک نخواهد شد.

فلسفهٔ اربعین یادآوری و تعظیم و تکریم حماسهٔ عاشوراست. اربعین، روز میثاق دوباره با سیدالشهدا عليه‌السلام و ارزش‌های الهی است تا از یادها نرود و تأثیرگذاری همیشگی خود را داشته باشد. اربعین مأموریت دارد تا پیام نهضت عاشورا را به گوش همگان برساند و آن را گسترش دهد و جهانی سازد. تا امروز، اربعین نقش خود را به بهترین شکل ممکن انجام داده و توانسته است جریان هدایت الهی و نبرد حق و باطل را به مسیر

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۴۵، ص ۱۶۰.

خود بازگرداند. امام خامنه‌ای دام‌ظله در اشاره به فلسفهٔ اجتماع اربعین می‌فرماید:

اربعین در حادثهٔ کربلا یک شروع بود. یک آغاز بود. بعد از آنکه قضیهٔ کربلا انجام گرفت و فداکاری بی‌نظیر اباعبدالله علیه‌السلام و اصحاب و یاران و خانواده‌اش در آن محیط محدود واقع شد، حادثهٔ اسارت‌ها پیام را باید منتشر می‌کرد و خطبه‌ها و افشاگری‌ها و حقیقت‌گویی‌های حضرت زینب علیهاالسلام و امام سجاد علیه‌السلام مثل یک رسانهٔ پرقدرت باید فکر و حادثه و هدف و جهت‌گیری را در محدودهٔ وسیعی منتشر می‌کرد و کرد... مرحوم سیدبن طاووس و بزرگان نوشته‌اند که وقتی کاروان اسرا، یعنی جناب زینب علیهاالسلام و بقیه در اربعین وارد کربلا شدند، در آنجا فقط جابر بن عبدالله انصاری و عطیه عوفی نبودند؛ رجال من بنی‌هاشم: عده‌ای از بنی‌هاشم. عده‌ای از یاران بر گرد تربت سیدالشهدا علیه‌السلام جمع شده بودند و به استقبال زینب کبری علیهاالسلام آمدند. شاید این سیاست ولایی هم که زینب کبری علیهاالسلام اصرار کرد که برویم به کربلا ـ در مراجعت از شام ـ به خاطر همین بود که این اجتماع کوچک، اما پر معنا در

آنجا حاصل شود... این نشانه و نمونه‌ای از تحقق آن هدفی است که با شهادت‌ها باید تحقق پیدا می‌کرد. یعنی گسترش این فکر و جرئت دادن به مردم. از همین‌جا بود که ماجرای توابین به‌وجود آمد؛ اگر چه ماجرای توابین سرکوب شد، اما بعد با فاصلهٔ کوتاهی ماجرای قیام مختار و بقیهٔ آن دلاوران کوفه اتفاق افتاد و نتیجهٔ درهم‌پیچیده شدن دودمان بنی‌امیه ظالم و خبیث براثر همین شد. البته بعد از او سلسلهٔ مروانی‌ها آمدند؛ اما مبارزه ادامه پیدا کرد، راه باز شد. این خصوصیت اربعین است؛ یعنی در اربعین افشاگری هم هست، عمل هم هست، تحقق هدف‌های آن افشاگری هم در اربعین وجود دارد.[۱]

۱. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار جمعی از مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۸۷/۱۱/۲۸، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5744.

اعمال و آداب
روز اربعین

روز اربعین هم همانند دیگر مناسبت‌های مذهبی آداب و اعمال مخصوص به خود را دارد. در روایت‌ها و کتاب‌های دعا، اعمال گوناگونی برای این روز ذکر شده است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

الف) غسل اربعین

یکی از مقدمات اعمال دینی، انجام غسل است. ازاین‌رو، در بیشتر زیارت‌ها سفارش به غسل شده است. حکم دینی که بدن را از نظر ظاهری طیب و طاهر می‌کند تا تطهیر بدن مقدمه‌ای برای تطهیر روح از ناپاکی‌ها باشد. دربارۀ غسل کردن در روز اربعین برای زائران، حتی آنها که از راه دور، نیت زیارت امام حسین﷣ می‌کنند، تأکید و سفارش شده است.

شیخ طوسی در کتاب مصباح از صفوان جمّال روایت کرده: از امام صادق علیه السلام برای زیارت مولایمان حسین علیه السلام اجازه خواستم و درخواست کردم برای زیارت آن حضرت دستورالعملی برایم بیان کند که به آن صورت به زیارت اقدام کنم. ایشان فرمود: «ای صفوان، پیش از حرکت به سفر، سه روز روزه بدار و روز سوم غسل کن. پس اهل و عیال خود را نزد خویش جمع کن و چنین بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ... .**» آنگاه دعایی تعلیم او فرمود که وقتی به فرات برسد بگوید. سپس فرمود:

> با آب فرات غسل کن.[۱] بهدرستی که پدرم مرا از پدرانش علیهم السلام خبر داد که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا فرزند من حسین، پس از من در کنار فرات کشته خواهد شد، هر که او را زیارت کند و از فرات غسل کند، گناهان او بریزد و مانند روزی شود که مادر او را به دنیا آورده است. چون غسل کنی در حال انجام

---

۱. روشن است که اگر امکان غسل زیارت در فرات برای زائران امکانپذیر نباشد، باید در خانه غسل کنند، دیگر توصیههای زیارت را رعایت کنند.

غسل بگو: «بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ اللهُمّ اجْعَلْهُ نُورا وَ طَهُورا وَ حِرْزا وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ سُقْمٍ وَ آفَةٍ وَ عَاهَةٍ اللهُمّ طَهِّرْ بِهِ قَلْبِى وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِى وَ سَهِّلْ لِى بِهِ أَمْرِى؛ به نام خدا و با استعانت از خدا. خدایا این [غسل] را مایهٔ روشنی و پاک‌کننده و نگهدارنده و شفای از هر درد و بیماری و آفت و آسیب قرار بده. خدایا دلم را با آن پاک کن و سینه‌ام را بگشای و کارم را با آن آسان گردان.»[1]

ب) خواندن نماز

یکی از اعمالی که برای روز اربعین توصیه شده است به‌جا آوردن ۵۱ رکعت نماز که هفده رکعت آن واجب و ۳۴ رکعت دیگر آن به‌صورت نافله برگزار می‌شود. ذکر «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» با صدای بلند در این نماز که در روز اربعین سفارش بر آن شده و همچنین سجده بر خاک به‌ویژه تربت امام حسین علیه‌السلام بسیار ارزشمند است.

پ) دعا

دعا در روز اربعین بسیار سفارش شده است.

---

۱. عباس قمی، مفاتیح الجنان، تهران، نبوی، ۱۳۸۸، ص ۷۵۳.

بهترین مناجات برای اربعین حسینی خواندن دعای چهل‌وسوم «صحیفهٔ سجادیه» است که از زبان امام سجاد علیه‌السلام بیان شده و فضیلت‌های فراوانی برای مؤمنان و اندیشمندان به همراه دارد.

دعای دیگری که ازسوی بزرگان دین مطرح شده که خواندن آن مستحب است، قرائت ده‌بارهٔ این دعا برای روزهای ماه صفر، به‌ویژه اربعین حسینی، فضیلت بسیار برای مؤمن دارد:

یا شَدیدَ الْقُوی وَیا شَدیدَ الْمِحالِ یا عَزیزُ یا عَزیزُ یا عَزیزُ ذَلَّتْ بِعَظَمَتِکَ جَمیعُ خَلْقِکَ فَاکْفِنی شَرَّ خَلْقِکَ یا مُحْسِنُ یا مُجْمِلُ یا مُنْعِمُ یا مُفْضِلُ یا لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ سُبْحانَکَ اِنّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمینَ فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ الْغَمِّ وَکَذلِکَ نُنْجِی الْمُؤْمِنینَ وَصَلَّی اللّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ.[1]

ای سخت نیرو و ای سخت عقوبت، ای عزیز، ای عزیز، ای عزیز، در برابر عظمت تو همهٔ آفریدگانت خوار شدند، پس کفایت کن از من، شر خلقت را. ای نیکوده، ای زیبایی‌بخش، ای نعمت‌بخش، ای

---

۱. ر.ک. همان، ص ۵۲۷.

فزون‌بخش، ای که معبودی جز تو نیست، منزهی تو و من از ستمکاران هستم. پس دعای او یونس را اجابت کردیم و از اندوه نجاتش دادیم و این‌چنین نجات دهیم مؤمنان را و درود خدا بر محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش.

ت) ذکر و تسبیح

در زیارت امام حسین علیه‌السلام روایت شده که پیش از زیارت و در بدو ورود، حتی وقتی به فرات می‌رسد تا غسل زیارت کند، صد بار «اللّه اکبَر»، صدبار «لَا إلَهَ إلَّا اللَّهُ» و صد بار صلوات بگوید. نیز در روایت است: هنگام زیارت وقتی مقابل قبر امام معصوم علیه‌السلام قرار گرفت، بگوید: «لَا إلَهَ إلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ»، ثواب بسیار برای او نوشته می‌شود.

برای زیارت اباعبدالله علیه‌السلام به‌صورت مطلق در غیر اربعین نیز ذکرهایی سفارش شده است. برای نمونه، حسین بن ثویر نقل می‌کند من و یونس بن طبیان نزد امام صادق علیه‌السلام بودیم؛ آن‌که سنش از ما بیشتر بود به حضرت عرضه داشت، من بسیار

امام حسین علیه السلام را یاد می‌کنم، پس چه ذکری بگویم؟ حضرت فرمودند: بگو «صلّی اللهُ عَلَیکَ یَا اَبَاعَبدِاللهِ» و این ذکر را سه بار بگو چراکه سلام از نزدیک و دور به ایشان می‌رسد.[۱]

مرحوم علامه طباطبایی در توصیه به زائران سیدالشهدا علیه السلام می‌فرماید:

> در طول راه، پیوسته مشغول زیارت عاشورا باشید؛ به‌گونه‌ای که در حین حرکت، زیارت را با صد لعن و صد سلام و سجده بخوانید. بعد دوباره از ابتدا شروع کنید و تلاش کنید که در تمام مسیر ذکرتان زیارت و یاد سیدالشهدا علیه السلام باشد. بهتر آن است که با تسبیح تربت، لعن‌ها و سلام‌ها را بگویید و اگر بتوانید که دعای علقمه را بعد از زیارت عاشورا بخوانید بسیار مطلوب است. ثواب این زیارت‌های عاشورا را به روح مطهر جناب قمربنی هاشم علیه السلام اهدا کنید.[۲]

---

۱. محمدبن حسن حرعاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۹۳.

۲. جمعی از پژوهشگران، موکب کلمات (ره‌توشهٔ مناسک اربعین حسینی)، قم، اداره‌کل پژوهش‌های اسلامی رسانه، ۱۳۹۸، ص ۱۰۷.

ث) حضور در کنار قبر امام حسین علیه‌السلام و بوسیدن ضریح

یکی از آداب دیگر زیارت امام حسین علیه‌السلام، نزدیک شدن به قبر، دست نهادن به آن، بوسیدن و ابراز اشتیاق و محبت است. داستان زیارت اربعین جابر بن عبدالله انصاری و عطیه گواه این زیارت عاشقانه است که دست روی قبر سیدالشهدا علیه‌السلام نهاد و بر او درود و سلام داد. مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح‌الجنان، با گفتن آداب زیارت به این نکته اشاره می‌کنند که برخی افراد دور ایستادن و نزدیک نشدن به ضریح را رعایت ادب به حریم امامت می‌دانند. ایشان این را اشتباه می‌دانند و تأکید می‌کنند که نزدیک شدن به قبر و ضریح و بوسیدن آن یکی از آداب است؛ البته به شرطی که موجب مزاحمت و آزار رساندن به دیگر زائران حسینی نشود.

ج) زیارت وداع اربعین

سید بن طاووس برای زیارت اربعین، وداعی مخصوص به این زیارت را ذکر کرده است. به این صورت که زائر مقابل ضریح بایستد و بگوید:

السَّـلَامُ عَلَيْـکَ يَـا ابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ، السَّـلَامُ عَلَيْکَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَصِيِّ رَسُولِ اللَّهِ. السَّلَامُ عَلَيْـکَ يَـا ابْـنَ فَاطِمَـةَ الزَّهْـرَاءِ سَـيِّدَةِ نِسَـاءِ الْعَـالَمِينَ، السَّـلَامُ عَلَيْـکَ يَـا وَارِثَ الْحَسَنِ الزَّكِيِّ. السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِـی أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَى خَلْقِهِ. السَّـلَامُ عَلَيْـکَ يَـا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الشَّهِيدَ، السَّلَامُ عَلَيْکَ يَا مَـوْلَایَ وَ ابْنَ مَوْلَایَ أَشْهَدُ أَنَّکَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَـرِ وَ جَاهَدْتَ فِی سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاکَ الْيَقِينُ، وَ أَشْـهَدُ أَنَّـکَ عَلَـى بَيِّنَـةٍ مِـنْ رَبِّـکَ أَتَيْتُـکَ توجّهت إليک يَا مَوْلَایَ زَائِراً وَافِداً رَاغِباً مُقِـرّاً لَکَ بِالذُّنُوبِ. هَارِباً إِلَيْکَ مِنَ الْخَطَايَا لِتَشْفَعَ لِی عِنْدَ رَبِّکَ. يَا ابْـنَ رَسُـولِ اللَّـهِ صَـلَّى اللَّـهُ عَلَيْکَ حَيّاً وَ مَيِّتاً، فَإِنَّ لَکَ عِنْـدَ اللَّـهِ مَقَامـاً مَعْلُوماً وَ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً لَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَکَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ هتک حَرَمَکَ وَ غَصَبَ حَقَّکَ. وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ خَذَلَکَ، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْکَ وَ لَـمْ يُعِنْـکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ مَنَعَکَ مِنْ حَرَمِ اللَّهِ وَ حَرَمِ رَسُولِهِ وَ حَرَمِ أَبِيکَ وَ أَخِيکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ مَـنْ مَنَعَـکَ مِنْ شُرْبِ مَاءِ الْفُرَاتِ لَعْناً كَثِيراً يَتْبَـعُ بَعْضُـهَا

بَعْضاً. اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ. أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِکَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِهِ، وَ ارْزُقْنِيهِ أَبَداً مَا بَقِيتُ وَ حَيِيتُ يَا رَبِّ. وَ إِنْ مِتُّ فَاحْشُرْنِی فِی زُمْرَتِهِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.[1]

سلام بر تو ای پسر رسول خدا، سلام بر تو ای پسر علی مرتضی، جانشین رسول خدا، سلام بر تو ای پسر فاطمهٔ زهرا سرور زنان جهان، سلام بر تو ای وارث امام حسن پاک، سلام بر تو ای حجت خدا در زمین و گواه او بر آفریده‌ها، سلام بر تو ای اباعبدالله شهید، سلام بر تو ای مولای من و پسر مولای من، گواهی می‌دهم که تو نماز را به‌پا داشتی و زکات دادی و امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر کردی و در راه خدا جهاد کردی تا اینکه امر یقین تو را فرا رسید و نیز گواهی می‌دهم که تو دلیل روشن از سوی پروردگارت داشتی.

---

۱. علی بن موسی ابن طاووس، اقبال الاعمال، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۵۹۱.

و اگر از دور زیارت کند باید بگوید:

ای مولای من، اکنون من به‌عنوان زائر، واردشونده، گراینده، اقرارکننده به گناه و گریزان از خطا، به درگاه تو آمده‌ام تا نزد پروردگارت از من شفاعت کنی. ای پسر رسول خدا، درود خدا بر تو درحال حیات و مرگ تو، زیرا تو در نزد خدا از مقام معلوم و شفاعت مورد پذیرش برخورداری. خداوند کسانی را که به تو ستم کرده‌اند، لعنت کند و نیز کسانی را که تو را محروم و حقت را غصب کرده‌اند، لعنت کند و قاتلان تو را لعنت کند و آنان را که دست از یاری تو کشیدند، لعنت کند و آنان را که خواندی و به تو پاسخ مثبت ندادند و تو را یاری نکردند، لعنت کند. همچنین، کسانی را که از رفتن تو به‌سوی حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم پدر و برادرت جلوگیری کردند، لعنت کند و کسانی را که تو را از نوشیدن آب فرات منع کردند، بسیار و پی‌درپی لعنت کند. خدایا، ای پدیدآورندۀ آسمان‌ها و زمین، دانای پنهان و آشکار، تو بین بندگانت در آنچه اختلاف دارند، حکم می‌کنی و زود است آنانی که ظلم کردند، بدانند کدامین جایگاه بازگشتشان است.

خدایا، این زیارت را آخرین عهدم از زیارت قرار مده و همیشه برایم تا وقتی که باقی و زنده هستم، روزی‌ام گردان. ای پروردگار و اگر مُردم، مرا در گروه ایشان محشور فرما، ای مهربان‌ترین مهربانان.

چ) زیارت اربعین

یکی دیگر از زیارت‌های مورد تأکید و توصیه در منابع دینی، زیارت اربعین است. در کتاب‌های روایی، به این زیارت تأکید و سفارش فراوان شده است و در اصل استحباب آن، هیچ اختلافی وجود ندارد. راوی آن مرحوم شیخ طوسی رحمه‌الله است. صدر حدیث روایت آن نشان می‌دهد که می‌توان آن را از راه دور، و ذیل آن دلالت دارد که از راه نزدیک می‌توان خواند و شاید منظور این باشد که هم از راه دور می‌توان خواند و هم از راه نزدیک.

مرحوم شیخ طوسی با بیان روایت امام حسن عسکری علیه‌السلام، زیارت اربعین را از ویژگی‌های متمایز شیعه برمی‌شمرد و سپس روایت صفوان جمّال را از زبان امام صادق علیه‌السلام دربارهٔ کیفیت

زیارت اربعین ذکر می‌کند.[۱]

زیارت اربعین به دو صورت نقل شده است:

صورت نخست، که بسیار معروف است، را امام صادق علیه‌السلام به صفوان مهران معروف به صفوان جمّال، آموخته است و می‌فرماید:

تَزُورُ ارْتِفَاعَ النَّهَارِ وَ تَقُولُ السَّلَامُ عَلَى وَلِى اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ وَ ذَكَرَ الزِّيَارَةَ إِلَى أَنْ قَالَ وَ تُصَلِّى رَكعَتَينِ وَ تَدْعُو بِمَا أَحْبَبْتَ وَ تَنْصَرِفُ.[۲]

در زمانی که روز بالا آمده، زیارت کن و بگو: «**السَّلَامُ عَلَى وَلِى اللَّهِ وَ حَبِيبِهِ وَ...**» و زیارت را بیان کردند و بعد فرمودند: «دو رکعت نماز بخوان و هرچه دوست داری بخواه و بازگرد.»

---

۱. محمدبن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲. علامه حلی رحمه‌الله نیز زیارت مخصوص امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین را در کتاب منتهی المطلب روایت می‌کند و در فضیلت آن روایت امام حسن عسکری علیه‌السلام را مطرح می‌کند (حسن‌بن یوسف حلی، منتهی الطلب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۷، ج ۱۳، ص ۲۹۵). مرحوم کفعمی در کتاب البلد الامین، مرحوم محمدتقی مجلسی در کتاب روضةالمتقین و در کتاب بحارالأنوار نیز این زیارت و کیفیت آن را بیان کرده‌اند.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۷۸.

متن زیارت که در متون روایی و حدیثی و دعا آمده است به این شرح است:

السَّلامُ عَلى وَلِیِّ اللَّهِ وَحَبیبِهِ، السَّلامُ عَلی خَلیلِ اللَّهِ وَنَجیبِهِ، السَّلامُ عَلی صَفِیِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِیِهِ، السَّلامُ عَلیَ الْحُسَینِ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ، السَّلامُ علی اسیرِ الْکرُباتِ، وَقَتیلِ الْعَبَراتِ، اللَّهُمَّ انّی اشْهَدُ انَّهُ وَلِیک، وَابْنُ وَلِیک، وَصَفِیک وَابْنُ صَفِیک، الْفآئِزُ بِکرامَتِک، اکرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ، وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ، وَاجْتَبَیتَهُ بِطیبِ الْوِلادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَیداً مِنَ السَّادَةِ، وَقآئِداً مِنَ الْقادَةِ، وَذآئِداً مِنَ الذادَةِ، وَاعْطَیتَهُ مَواریثَ الْأَنْبِیآءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلی خَلْقِک مِنَ الأَوْصِیآءِ، فَاعْذَرَ فِی الدُّعآءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فیک لِیسْتَنْقِذَ عِبادَک مِنَ الْجَهالَةِ، وَحَیرَةِ الضَّلالَةِ، وَقَدْ تَوازَرَ عَلَیهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْیا، وَباعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الأَدْنی، وَشَری آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْکسِ، وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّی فی هَواهُ، وَاسْخَطَک[1] وَاسْخَطَ نَبِیک، وَاطاعَ مِنْ عِبادِک اهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ، وَحَمَلَةَ الْأَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبینَ النَّارَ،

---

۱. در تهذیب الاحکام، کلمهٔ «اسخطک» نیامده، ولی در مصباح المتهجّد، آمده است.

فَجاهَدَهُمْ فیک صابِراً مُحْتَسِباً، حَتّی سُفِک فی طاعَتِک دَمُهُ، وَاسْتُبیحَ حَریمُهُ، اللَّهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبیلًا، وَعَذِّبْهُمْ عَذاباً الیماً، السَّلامُ عَلَیک یابْنَ رَسُولِاللَّهِ، السَّلامُ عَلَیک یابْنَ سَیدِ الْأَوْصِیآءِ، اشْهَدُ انَّک امینُاللَّهِ وَابْنُ امینِهِ، عِشْتَ سَعیداً، وَمَضَیتَ حَمیداً، وَمِتَّ فَقیداً مَظْلُوماً شَهیداً، وَاشْهَدُ انَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ ما وَعَدَک، وَمُهْلِک مَنْ خَذَلَک، وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَک، وَاشْهَدُ انَّک وَفَیتَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَجاهَدْتَ فی سَبیلِهِ حَتّی اتیک الْیقینُ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَک، وَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ ظَلَمَک، وَلَعَنَ اللَّهُ امَّةً سَمِعَتْ بِذلِک فَرَضِیتْ بِهِ، اللَّهُمَّ انّی اشْهِدُک انّی وَلِیٌّ لِمَنْ والاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ، بِابی انْتَ وَامّی یابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، اشْهَدُ انَّک کنْتَ نُوراً فِیالْأَصْلابِ الشَّامِخَةِ، وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ[1]، لَمْ تُنَجِّسْک الْجاهِلِیةُ بِانْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْک الْمُدْلَهِمَّاتُ مِنْ ثِیابِها، وَاشْهَدُ انَّک مِنْ دَعآئِمِ الدّینِ، وَارْکانِ الْمُسْلِمینَ، وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنینَ، وَاشْهَدُ انَّک الْإِمامُ الْبَرُّ التَّقِیُّ الرَّضِیُّ الزَّکیُّ، الْهادِی الْمَهْدِیُّ، وَاشْهَدُ انَّ

---

۱. در تهذیب الاحکام و مصباح المتهجّد به‌جای «المطهرة»، الطاهرة آمده است.

الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِک کلِمَةُ التَّقْوی، وَ اعْلامُ الْهُدی، وَ الْعُرْوَةُ الْوُثْقی، وَ الْحُجَّةُ علی اهْلِ الدُّنْیا، وَاشْهَدُ انّی بِکمْ مُؤْمِنٌ، وَ بِایابِکمْ مُوقِنٌ، بِشَرایعِ دینی وَخَواتیمِ عَمَلی، وَقَلْبی لِقَلْبِکمْ سِلْمٌ، وَامْری لِأَمْرِکمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتی لَکمْ مُعَدَّةٌ، حَتّی یأْذَنَ اللَّهُ لَکمْ، فَمَعَکمْ مَعَکمْ لامَعَ عَدُوِّکمْ، صَلَواتُ اللَّهِ عَلَیکمْ، وَعلی ارْواحِکمْ وَاجْسادِکمْ، وَشاهِدِکمْ وَغآئِبِکمْ، وَظاهِرِکمْ وَباطِنِکمْ، آمینَ رَبَّ الْعالَمینَ.[1]

سلام بر ولیّ خدا و دوستدارش، سلام بر خلیل خدا و محرم اسرارش، سلام بر برگزیدهٔ خدا و فرزند برگزیده‌اش، سلام بر حسین مظلوم شهید [در راه خدا] سلام بر اسیر در بند ناگواری‌ها و کشته‌ای که اشک فراوان بر او ریخته می‌شود، خدایا گواهی می‌دهم که او به‌یقین ولیّ تو و فرزند ولیّ تو و برگزیدهٔ تو و فرزند برگزیدهٔ توست، که به بزرگداشت تو رستگار شده، او را با مقام شهادت گرامی داشتی و به نیک‌بختی

---

۱. ر.ک. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۶، ص ۱۱۳؛ محمدبن حسن طوسی، مصباح المتهجّد، همان، ص ۷۸۸؛ محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

مخصوصش ساخته، و به پاکی ولادت برگزیدی، و او را آقایی از میان بزرگان و پیشوایی از میان پیشوایان، و مدافعی از مدافعان حق، قرار دادی و میراث پیامبران را به او بخشیدی. او را حجت بر مخلوقاتت از میان جانشینان قرار دادی، پس در دعوت مردم، عذری باقی نگذاشت و در خیرخواهی دریغ نکرد، و خون قلبش را در راه تو بخشید تا بندگانت را از نادانی و سرگردانی گمراهی رهایی بخشد؛ درحالی‌که فریب‌خوردگان دنیا و آنان که سهم خود را با پست‌ترین چیز معامله کردند و آخرت خود را به ارزان‌ترین قیمت فروختند، علیه او هم‌پیمان شدند و به سبب هوای نفس سقوط کردند، و تو و پیامبرت را به خشم آوردند و از میان بندگانت، از اهل اختلاف و دورویی و از حمل‌کنندگان بار گناه، که سزاوار دوزخ‌اند، پیروی کردند. پس در راه تو با شکیبایی و حسابگرانه با آنان جهاد کرد تا اینکه در راه بندگی‌ات، خونش ریخته شد و حرمتش شکسته شد. خدایا، آنان را بسیار لعنت کن و به عذاب دردناکت گرفتار ساز. سلام بر تو ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند سرور

جانشینان، گواهی می‌دهم که تو به‌یقین امین خدا و فرزند امین او هستی، که با سعادت زندگی کردی و به نیکی از دنیا رفتی و مظلومانه با شهادت درگذشتی. گواهی می‌دهم که خداوند به آنچه به تو وعده داده وفا کرد، و آن‌که را دست از یاری‌ات کشید، هلاک کرد، و آن‌که تو را به شهادت رساند عذاب کرد؛ گواهی می‌دهم که تو به عهد خدا وفا و در راهش جهاد کردی تا مرگت فرارسید. پس خداوند قاتلان تو و کسانی که به تو ستم کردند و کسانی که این [واقعه] را شنیدند و به آن راضی شدند، لعنت کند. خدایا گواهی می‌دهم که من دوستارانش را دوست دارم و با دشمنانش دشمنم، پدر و مادرم فدای تو ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو نوری در صلب‌های بلندمرتبه و رحم‌های پاکیزه بودی، که دوران جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نساخت و با لباس‌های آلوده‌اش تو را نپوشانید و گواهی می‌دهم که تو از پایه‌های دین و تکیه‌گاه مسلمانان و پناهگاه مؤمنان هستی. گواهی می‌دهم که تو پیشوای نیکوکار پرهیزگار و پسندیده پاکیزه و راهنمای

هدایت‌یافته‌ای و گواهی می‌دهم که امامان از فرزندان تو اساس پرهیزکاری و نشانه‌های هدایت و ریسمان محکم [هدایت] و حجت [خدا] بر جهانیان هستند. گواهی می‌دهم که به شما ایمان دارم و به‌واسطهٔ قوانین دینم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنم و دلم تسلیم دل شما و عملم پیرو عمل شماست، و آمادهٔ یاری شمایم تا اینکه خداوند به شما اجازه دهد. پس آن‌که با شماست با شماست، نه با دشمنان شما. درود خدا بر شما و بر ارواح و بدن‌های شما و بر حاضر و غایبتان و بر ظاهر و باطنتان، دعایم را بپذیر، ای پروردگار جهانیان.

صورت دوم: مرحوم علامه مجلسی از سید بن طاووس نقل می‌کند که عطیه عوفی می‌گوید: روز بیستم ماه صفر با جابر بن عبدالله انصاری بودم. وقتی به کربلا رسیدیم، در آب فرات غسل کرد و پیراهن پاک و تمیزی که با خود داشت، پوشید و به من گفت: آیا از بوی خوش چیزی به همراه داری؟ گفتم: آری. قدری از آن بر سر و بدن پاشید و پا برهنه روانه شد، تا به مزار حضرت رسید. نزد سر مبارک امام حسین علیه‌السلام

ایستاد و سه بار «اللّه‌اکبر» گفت و افتاد و بی‌هوش شد. وقتی به‌هوش آمد، شنیدم که گفت:

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا آلَ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا صَفْوَةَ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا خِيَرَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقِهِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَةَ السَّادَاتِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا لُيُوثَ [عَلَى لُيُوثِ] الْغَابَاتِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا سُفُنَ النَّجَاةِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ [السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ] السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ إِسْمَاعِيلَ ذَبِيحِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللَّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ، السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى السَّلامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ ابْنَ الشَّهِيدِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا قَتِيلَ ابْنَ الْقَتِيلِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ ابْنَ وَلِيِّهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَ ابْنَ حُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ

أَشْهَدُ أَنَّکَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ رُزِئْتَ [وَ بَرَرْتَ] بِوَالِدَيْکَ وَ جَاهَدْتَ عَدُوَّکَ وَ أَشْهَدُ أَنَّکَ تَسْمَعُ الْكَلامَ وَ تَرُدُّ الْجَوَابَ وَ أَنَّکَ حَبِيبُ اللَّهِ وَ خَلِيلُهُ وَ نَجِيبُهُ وَ صَفِيُّهُ وَ ابْنُ صَفِيِّهِ يَا مَوْلایَ [وَ ابْنَ مَوْلایَ] زُرْتُکَ مُشْتَاقا فَكُنْ لِی شَفِيعا إِلَى اللَّهِ يَا سَيِّدِی وَ أَسْتَشْفِعُ إِلَى اللَّهِ بِجَدِّکَ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ وَ بِأَبِيکَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ بِأُمِّکَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَلا لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلِيکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ ظَالِمِيکَ وَ لَعَنَ اللَّهُ سَالِبِيکَ وَ مُبْغِضِيکَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.[۱]

سلام بر شما ای خاندان خدا، سلام بر شما ای برگزیدگان خدا، سلام بر شما ای انتخاب‌شده‌های خدا از میان خلق، سلام بر شما ای آقایان آقاها، سلام بر شما ای شیران بیشه‌ها، سلام بر شما ای کشتی‌های نجات، سلام بر تو ای اباعبدالله الحسین، سلام بر تو ای وارث دانش

---

۱. ر.ک. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۲۹؛ عباس قمی، مفاتیح الجنان، همان، ص ۷۴۳.

پیامبران، رحمت و برکات خدا بر تو باد. سلام بر تو ای وارث آدم برگزیدهٔ خدا سلام بر تو ای وارث نوح پیامبر خدا، سلام بر تو ای وارث ابراهیم دوست خدا سلام بر تو ای وارث اسماعیل قربانی خدا، سلام بر تو ای وارث موسی هم‌سخن خدا، سلام بر تو ای وارث عیسی روح خدا، سلام بر تو ای وارث محمد حبیب خدا. سلام بر تو ای فرزند محمد مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه کبری، سلام بر تو ای شهید فرزند شهید، سلام بر تو ای کشتهٔ فرزند کشته، سلام بر تو ای ولیّ خدا و فرزند ولیّ خدا، سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجت خدا بر خلقش، گواهی می‌دهم که تو نماز به‌پا داشتی، و زکات پرداختی، و به معروف امر و از منکر نهی کردی، و مصیبت‌زدهٔ پدر و مادر شدی، و با دشمنت جهاد کردی، و گواهی می‌دهم که تو سخن را می‌شنوی، و پاسخ می‌دهی؛ و تو حبیب و دوست و بندهٔ نجیب و برگزیده و فرزند برگزیدهٔ خدایی. ای مولای من و فرزند مولای من مشتاقانه تو را زیارت کردم. ای آقای من، به درگاه خدا شفیع من باش.

ای آقای من، به درگاه خدا طلب شفاعت می‌کنم به‌وسیلهٔ جدت، سرور پیامبران، و پدرت سرور جانشینان، و مادرت فاطمه سرور بانوان جهانیان. خدا لعنت کند قاتل و ستمگر و غارتگر و دشمنت را از گذشتگان و آیندگان، و درود خدا بر آقای ما محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش.

ویژگی‌ها و آثار
زیارت اربعین

الف) فضیلت زیارت اربعین

هرچند همهٔ زیارت‌ها دارای اهمیت هستند. با اینکه تعداد روایات مربوط به اربعین محدود است، این زیارت اهمیت بسیار ویژه‌ای دارد و در بین زیارت‌ها جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ قرن‌هاست سیرهٔ همیشگی بزرگان شیعه و اولیای خدا بوده است. آشکار است که در پسِ این دعوت، حقیقت و توجهی خاص از عالمِ بالا در میان است.

روایت‌های بسیاری دربارهٔ ثواب زیارت امام حسین علیه‌السلام وارد شده است که شامل زیارت اربعین نیز می‌شود. برای نمونه، امام صادق علیه‌السلام در فضیلت زیارت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام می‌فرماید:

مَنْ أَرَادَ أَنْ یکونَ فِی جِوَارِ نَبِیهِ صلی الله علیه و آله وَ جِوَارِ عَلِی وَ فَاطِمَةَ فَلَا یدَعْ زِیارَةَ الْحُسَینِ بْنِ عَلِی علیه السلام.[1]

کسی که بخواهد در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام باشد، زیارت کربلا را رها نمی‌کند.

در روایتی دیگر، راوی می‌گوید که امام صادق علیه السلام از من پرسید:

یا شِهَابُ کمْ حَجَجْتَ مِنْ حِجَّةٍ- فَقُلْتُ تِسْعَةَ عَشَرَ حِجَّةً فَقَالَ لِی تَمِّمْهَا عِشْرِینَ حِجَّةً تُحْسَبْ لَک بِزِیارَةِ الْحُسَینِ علیه السلام.[2]

«چقدر حج انجام داده‌ای؟» عرض کردم: نوزده بار. حضرت فرمودند: «به بیست حج برسان تا یک زیارت امام حسین علیه السلام برای تو نوشته شود.»

محمد بن مروان از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که شنیدم از امام علیه السلام که فرمود: «زیارت کنید حسین علیه السلام را اگرچه در سال یک بار باشد.» تا اینکه فرمود:

---

۱. جعفر بن محمد بن قولویه، کامل الزیارات، ترجمهٔ محمدجواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷، ص ۱۳۷؛ محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۶۶.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۴۹.

همانا خداوند چهار هزار ملک بر قبر امام حسین علیه‌السلام گماشته، تمامشان گریه می‌کنند و زائر حسین علیه‌السلام را مشایعت می‌کنند تا هنگامی که نزد خانواده‌اش برسد. اگر مریض شود، عیادتش می‌کنند و اگر بمیرد، در تشییع جنازه‌اش حاضر می‌شوند و برایش استغفار می‌کنند و بر او رحمت می‌فرستند.[1]

در کنار این روایت‌ها، که به‌صورت مطلق در فضیلت زیارت امام حسین علیه‌السلام وارد شده است، در روایت‌های معصومان علیهم‌السلام به فضیلت زیارت روز اربعین سیدالشهدا علیه‌السلام تصریح و سفارش ویژه شده است. امام حسن عسکری علیه‌السلام می‌فرمایند:

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ إِحْدَى وَ خَمْسِينَ وَ زِيارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخَتُّمُ فِی الْيمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ.[2]

پنج چیز علامت مؤمن است: ۵۱ رکعت

---

۱. «إِنَّ اللَّهَ وَكلَ بِقَبْرِ الْحُسَينِ علیه‌السلام أَرْبَعَةَ آلَافِ مَلَک شُعْثاً غُبْراً إِلَی أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ يشَيعُونَ مَنْ زَارَهُ يعُودُونَهُ إِذَا مَرِضَ وَ يشْهَدُونَ جِنَازَتَهُ إِذَا مَاتَ» (جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۱۹۰).

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۵، ص ۳٤۸.

نماز [در شبانه‌روز]، زیارت اربعین، انگشتری در دست راست کردن، پیشانی به خاک مالیدن و «**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**» را در نماز آشکارا گفتن.[1]

حضرت آیت‌الله جوادی آملی در اشاره به اهمیت زیارت اربعین در ذیل این روایت می‌فرماید:

---

۱. حضرت آیت‌الله جوادی آملی در توضیح روایت می‌فرماید: «مراد از نماز ۵۱ رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافهٔ نمازهای نافله است که جبران‌کنندهٔ نقص و ضعف نمازهای واجب است؛ به‌ویژه اقامهٔ نماز شب در سحر که بسیار مفید است. نماز ۵۱ رکعت به شکل یادشده از مختصات شیعیان و ارمغان معراج رسول خدا ﷺ است. شاید راز ستودن نماز به وصف معراج مؤمن این باشد که دستور آن از معراج آمده است و نیز انسان را به معراج می‌برد. موارد دیگری نیز که در روایت یادشده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا تنها شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیرشیعه است که یا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را نمی‌گویند یا آهسته تلفظ می‌کنند. همچنین شیعه است که انگشتر به دست راست کردن و نیز زیارت اربعین حسینی را مستحب می‌داند» (عبدالله جوادی آملی، شکوفایی عقل در نهضت حسینی، قم، اسراء، ۱۳۹۳، ص ۲۸).

اهمیت زیارت اربعین تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است؛ بلکه طبق این روایت، در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. برپایهٔ این روایت، همان‌گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثهٔ کربلا نیز ستون ولایت است. به دیگر سخن، براساس فرمودهٔ رسول خدا ﷺ عصارهٔ رسالت نبوی ﷺ قرآن و عترت است؛ «**إنی تارک فیکم الثقلین... کتاب الله و... عترتی اهل‌بیتی**» عصارهٔ کتاب الهی که دین خداست، ستونی دارد که نماز است و عصارهٔ عترت نیز ستونش زیارت اربعین است که این دو ستون در روایت امام عسکری علیه‌السلام در کنار هم ذکر شده است؛ ولی مهم آن است که دریابیم نماز و زیارت اربعین انسان را چگونه متدین می‌کنند.[1]

شاید این پرسش مطرح شود که چرا چنین زیارتی در این روز مستحب شمرده شده است. مرحوم علامه مجلسی در کتاب «زاد المعاد» می‌نویسد:

---

۱. همان.

چون جابر که از بزرگان صحابه بود، اساس این کار را گذاشت، شاید دلیل فضیلت زیارت آن حضرت در این روز شده باشد؛ ولی بااین‌حال، احتمال می دهد وجوه دیگری داشته باشد که بر ما مخفی است.[۱]

به نظر می‌رسد که نمی‌تواند این همه اهتمام نسبت‌به زیارت اربعین و آن را از علائم مؤمن شمردن و نقل زیارت‌نامه‌ای مخصوص ازسوی امام صادق علیه‌السلام، به صرف زیارت آن حضرت ازسوی جابر بن عبدالله انصاری در اربعین باشد؛ به‌ویژه آنکه زیارت اربعین خاص امام حسین علیه‌السلام است و دربارۀ هیچ‌یک از دیگر معصومان چنین زیارتی وارد نشده است. بنابراین، به نظر می رسد که این‌همه اهمیت زیارت اربعین نه به‌خاطر زیارت آن حضرت توسط جابر بن عبدالله انصاری در چنین روزی است، بلکه به سبب الحاق سرهای شهدا در این روز توسط امام سجاد علیه‌السلام و زیارت آن قبور پاک،

---

۱. محمدباقر مجلسی، زادالمعاد، تحقیق علاءالدین اعلمی، بیروت، موسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق، ص ۴۰۲.

توسط امـام و کـاروان حـرم حسـینی در اربعـین است. چنان‌کـه ایـن حقیقـت در بیـان برخـی از بزرگان نیز مورد اشاره قرار گرفتـه اسـت. مرحـوم علامه مجلسی در زادالمعاد می نویسد:

> مشهور آن است کـه سـبب تأکیـد زیـارت آن حضـرت در ایــن روز، آن اســت کـه امـام زین‌العابدین علیه‌السلام با اهل‌بیت در این روز بعـد از بازگشت از شام به کربلای معلی وارد شـدند و سرهای مطهر شهدا را به بدن‌های ایشـان ملحق کردند.[۱]

درنتیجه، باتوجه‌به این نکته که اربعین فی حدّ نفسه امتیازی ندارد، آن‌گونه کـه شـب‌هـای جمعـه و نیمـهٔ شعبان و شب‌های قدر و عیدَین و عرفه، بر دیگر ایام و لیالی امتیـاز دارنـد، بایـد در اربعـین امـام حسـین علیه‌السلام حادثهٔ ویژه‌ای اتفاق افتـاده باشـد کـه آن را از روزهـای دیگر ممتاز ساخته باشد. این جـز بـا الحـاق سـرهای شهدا به بدن‌هایشان و زیارت قبور شـهدا توسـط امـام سجاد علیه‌السلام و کاروان همراه، نمی‌تواند باشد.[۲]

---

۱. همان.

۲. سعید داودی و مهدی رستم‌نژاد، همان، ص ۶۲۹.

ب) پیام‌ها و درس‌های زیارت اربعین (مروری بر فرازهای مهم زیارت اربعین)

زیارت اربعین، همچون زیارت عاشورا و زیارت وارث، از مضامین انسان‌ساز و پرمحتوایی برخوردار است. این زیارت نوعی «تجدید میثاق» با امام حسین علیه‌السلام و اهل‌بیت و امامان معصوم علیهم‌السلام است. در بخش‌های گوناگون این زیارت والا، فرد زائر ضمن شهادت به بزرگی حضرت، فلسفهٔ نهضت حسینی و اهداف قیام خونین عاشورا را بازگو می‌کند. همچنین، خوانندهٔ زیارت اربعین همبستگی خود را با امام علیه‌السلام و دوستان او و نیز دشمنی‌اش را با دشمنان امام تا روز قیامت بیان می‌دارد و از خداوند متعال می‌خواهد زندگی و مرگش را در پیروی از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله قرار دهد. در ادامهٔ زیارت، بر اجرای وظایف بندگی از سوی امام حسین علیه‌السلام و یاران باوفایش تأکید می‌کند و بر قاتلان ایشان لعنت و نفرین می‌فرستد. پایان‌بخش روایت نیز اعلام بر پیروی از امام معصوم علیه‌السلام و صلوات بر آن بزرگواران است. پس از بیان این کلیات، به

برخی از محورهای مهم زیارت اربعین اشاره می‌کنیم.

مروری بر اعتقادات مهم تشیع

در زیارت اربعین بسیاری از باورهای عمیق تشیع خلاصه شده است. اینکه سفارش بسیار شده است که زیارت اربعین خوانده شود، یک وجه آن مرور بر اعتقادات بر حق و زنده نگه داشتن آنها در طول تاریخ است. ازجمله باورها و اعتقادات، که در زیارت اربعین مرور می‌شود، می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. **انتصابی بودن امام**علیه‌السلام: زیارت اربعین، امام علیه‌السلام را برگزیده و حبیب خدا معرفی می‌کند و تصریح دارد امامت مقام و منصبی است که خداوند تعالی به امام ارزانی داشته است و چنین پیشوایی جلوهٔ دین خداست و چنین کسی ارزش پیروی و اطاعت دارد:

اللَّهُمَّ انّی اشْهَدُ انَّهُ وَلِیک، وَابْنُ وَلِیک، وَصَفِیک وَابْنُ صَفِیک، الْفآئِزُ بِکرامَتِک، اکرَمْتَهُ بِالشَّهادَةِ، وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعادَةِ، وَاجْتَبَیتَهُ بِطیبِ الْوِلادَةِ، وَجَعَلْتَهُ سَیداً مِنَ السّادَةِ،

وَقآئِداً مِنَ الْقادَةِ، وَذآئِداً مِنَ الذادَةِ، وَاعْطَيتَهُ مَوارِيثَ الْأَنْبِيآءِ، وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلى خَلْقِک مِنَ الأَوْصِياءِ.[۱]

خدایا، گواهی می‌دهم که او به‌یقین ولیّ تو و فرزند ولیّ تو و برگزیدهٔ تو و فرزند برگزیدهٔ توست، که به بزرگداشت تو رستگار شده [است]. او را با مقام شهادت گرامی داشتی و به نیکبختی مخصوصش ساخته، و به پاکی ولادت برگزیدی. او را آقایی از میان بزرگان و پیشوایی از میان پیشوایان، و مدافعی از مدافعان حق، قرار دادی و میراث پیامبران را به او عطا کردی، و او را حجت بر مخلوقاتت از میان جانشینان قرار دادی.

۲. لزوم معصوم بودن ائمهٔ اطهارعلیهم‌السلام**:** نکتهٔ بعدی در زیارت اربعین، تصریح به عصمت امام معصوم علیه‌السلام است که از باورهای اختصاصی شیعیان اثنی‌عشری است؛ چراکه اقتضای مقام امامت و رسالت او، ایجاب می‌کند که امام نه‌تنها در مقام رفتار، بلکه در علم نیز مصون از خطا و اشتباه باشد:

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

بِابی انْتَ وَامّی یابْنَ رَسُولِ اللّهِ، اشْهَدُ انَّک کنْتَ نُوراً فِی الْأَصْلابِ الشّامِخَةِ، وَالْأَرْحامِ الْمُطَهَّرَةِ[1]، لَمْ تُنَجِّسْک الْجاهِلِیةُ بِانْجاسِها، وَلَمْ تُلْبِسْک الْمُدْلَهِمّاتُ مِنْ ثِیابِها.[2]

پدر و مادرم فدای تو ای فرزند رسول خدا، گواهی می‌دهم که تو نوری در صلب‌های بلندمرتبه و رحم‌های پاکیزه بودی، که دوران جاهلیت با ناپاکی‌هایش تو را آلوده نساخت و با لباس‌های آلوده‌اش تو را نپوشانید.

۳. حتمی بودن تحقق وعدهٔ الهی: خداوند متعال بارها در قرآن کریم، آشکارا وعده داده است که اگر کسی در راه خدا و در راه دین کوشش کند، او را یاری خواهد داد؛[3] این وعدهٔ الهی است. انسان مؤمن باید نسبت‌به وعده‌های الهی معتقد باشد و به آنها اعتماد کند. حقیقتی که در زیارت اربعین نیز بر آن تصریح و تأکید می‌شود:

---

۱. در تهذیب الاحکام و مصباح المتهجّد، به‌جای «المطهرة» الطاهرة آمده است.

۲. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، همان، ج ۶، ص ۱۱۴.

۳. آل‌عمران (۳)، آیهٔ ۶۰.

أَشْهَدُ أَنَّ اللهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَکَ وَمُهْلِکٌ مَنْ خَذَلَکَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَکَ.[۱]

گواهی می‌دهم خداوند به آنچه به تو وعده داده است، وفا کرد و آن‌که را دست از یاری‌ات کشید، هلاک کرد و آن‌کس تو را به شهادت رساند، را عذاب کرد.

۴. اعتقاد به غیبت امام عصرعجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف: اعتقاد به غیبت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باور دیگری است که در فرازی از زیارت اربعین بدان اشاره شده است: «**وَشاهِدِکُمْ وَغَائِبِکُمْ، وَظَاهِرِکُمْ وَبَاطِنِکُمْ**؛[۲] به آشکار و نهان شما، و ظاهرِ شما و غایب شما، اعتقاد دارم.»

۵. اعتقاد به رجعت امامانعلیهم‌السلام: رجعت یکی از آموزه‌های مهم شیعهٔ دوازده‌امامی به‌شمار می‌آید که اعتقاد به آن از ضروریات مذهب امامیه است. شیعه براساس روایات، به بازگشت پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام به دنیا باور دارد. باوری که ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام همواره بر آن به‌عنوان

---

۱ . محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.
۲ . همان.

اعتقادی اصیل تأکید می‌کردند و در فرازی از زیارت اربعین نیز بدان تصریح شده است:

وَاشْهَدُ انّی بِکمْ مُؤْمِنٌ، وَ بِایابِکمْ مُوقِنٌ.[۱]

گواهی می‌دهم که به شما ایمان دارم و به‌واسطهٔ قوانین دینم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنم.

معرفی و ترسیم سیمای اباعبدالله الحسین علیه‌السلام

در دوران حکومت اموی، تهاجم تبلیغاتی حزب اموی بر چهرهٔ تابناک عترت، نقاب تاریک آویخته بود و در شامات، موقعیت عترت به‌صورت فراگیر مخدوش شده بود. در آن زمان، کنار زدن آویخته‌های حزب اموی از چهرهٔ عترت به دست توانمند سیدالساجدین علیه‌السلام شکل گرفت؛ آن‌گونه که چهرهٔ پرفروغ عترت دوباره درخشش یافت و نفاق پنهانی بنی امیه آشکار شد. این کینه‌ورزی‌ها و دشمنی‌ها هنوز هم نسبت‌به ساحت اهل‌بیت علیهم‌السلام وجود دارد.

امروزه، عده‌ای نسبت‌به جایگاه بلند

---

۱. همان.

اهل‌بیت علیهم‌السلام جاهل‌اند و عده‌ای دیگر از روی دشمنی و کینه‌ورزانه برای مخدوش کردن چهرهٔ تابناک اهل‌بیت علیهم‌السلام گام برمی‌دارند. این ضرورت استمرار حرکت امام سجاد علیه‌السلام در دورهٔ کنونی را آشکار می‌سازد. یکی از جنبه‌های مهم زیارت اربعین، توجه به این بُعد مهم است. زیارت اربعین همچون بسیاری از زیارت‌نامه‌های دیگر با «سلام» آغاز می‌شود که نشانهٔ دوستی و محبت انسان زائر نسبت‌به اولیای دین است و مخاطب این سلام، با اوصاف و لقب‌هایی یاد می‌شود که هر کدام بُعدی از ابعاد شخصیت سیدالشهدا علیه‌السلام را نشان می‌دهد. در این زیارت، از امام حسین علیه‌السلام با عنوان‌هایی همچون ولی خدا، حبیب خدا، خلیل خدا، برگزیدهٔ خدا، شهید مظلوم، گرفتار رنج‌ها و مصیبت‌ها و کشتهٔ اشک‌ها یاد می‌شود.

پس از بیان این صفت‌ها و مقام‌ها، زائر در پیشگاه خدا شهادت می‌دهد که آن امام شهید ولی خدا و فرزند ولی خدا و صفی پروردگار و فرزند صفی خداست. این گواهی، عمق ایمان و

باور زائر را نشان می‌دهد و این اعتقادات را در جان او می‌نشاند.

تولی نسبت‌به سیدالشهدا علیه‌السلام

اساس آفرینش بر «عشق و محبت» پی‌ریزی شده است چنان‌که در حدیث قدسی آمده که پروردگار یکتا فرموده است:

کُنْتُ کنْزاً مَخْفِیاً فَاحْبَبْتُ انْ أعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِکیْ أعْرَفَ.[1]

من گنج پنهانی بودم و دوست داشتم که شناخته شوم، ازاین‌رو آفریده‌ها را آفریدم تا شناخته شوم.

اسلام، که تنها دین مقبول آفریدگار است، نیز چیزی جز عشق و محبت نسبت‌به خدا و دوستان خدا و دشمنی با دشمنان خدا نیست، چنان‌که امام باقر علیه‌السلام فرمود: «**هَلِ الدّینُ الَّاالْحُبُّ وَالْبُغْضُ**؛[2] آیا دین، جز دوستی و دشمنی است؟»

ازاین‌رو، هرچه انسان مؤمن‌تر باشد، عاشق‌تر

---

۱. جعفر بن محمد علیه‌السلام[امام ششم]، مصباح الشریعه، ترجمه و شرح عبدالرزاق گیلانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷، ص ۱۰۸.
۲. عباس قمی، سفینة البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۵۸۰.

است و سراپای وجود مؤمنان واقعی را عشق به خدا پر کرده است: «...الَّذينَ امَنُوا اشَدُّ حُبّاً لِلَّهِ...؛[۱] آنان که ایمان آورده‌اند، شدیدترین علاقه را به خدا دارند.»

باتوجه‌به اینکه دودمان وحی را به زیور عصمت آراسته‌اند، و هرگز برخلاف خواست خدا کاری انجام نمی‌دهند، تولی و تبری آنها میزان ایمان شناخته شده است. جهت عقربهٔ دوستی مؤمن همواره باید به‌سوی آنان باشد، همان‌گونه که عقربهٔ بیزاری و دشمنی مؤمن باید به‌سوی مخالفان این خاندان بچرخد. حقیقتی که در زیارت اربعین این‌گونه بازتاب یافته است:

اللَّهُمَّ انّی اشْهِدُک انّی وَلِیٌّ لِمَنْ والاهُ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عاداهُ.[۲]

خدایا تو را به شهادت می‌گیرم که با هر کس که در ولایت حسین‌بن علی علیه‌السلام است با او در ولایت هستم و با هر کس که با او در عداوت است، در عداوت هستم.

---

۱. بقره (۲)، آیهٔ ۱۶۵.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

پیام اربعین این است که انسان نباید در میدان‌های مبارزه حق و باطل در هیچ زمان و مکانی، بی‌توجه باشد، بلکه باید به یاری حق و تولّای ولیّ خدا قیام کند و از پیروان باطل و مخالفانِ امام، تبرّی بجوید. تا شهادتی که در زیارت اربعین می‌دهد، راست باشد، نه دروغ و شعار؛ به‌ویژه که خدا را بر این شهادتش گواه می‌گیرد. البته اینکه زائر اباعبدالله‌ علیه‌السلام خدا را شاهد و گواه بر این محبت و تولی خود می‌گیرد، نه‌تنها در زبان و الفاظ به این محبت اعتراف می‌کند، بلکه برای محقق شدن قضیه به شهادت خدا متوسل می‌شود و از او برای این مهم یاری می‌جوید؛ چراکه اگر خدا چیزی را شهادت داد، یعنی محقق است، یا محقق بوده یا محقق خواهد شد.

وقتی خداوند به امری شهادت می‌دهد، یعنی مساوی است با تحقق آن امر. یعنی تحقق این امر را از خداوند می‌خواهیم و اگر خداوند همین لحظه ما را شهادت بدهد، این لحظه محقق و تثبیت خواهد شد. البته این با تلاش و همت

انسان منافاتی ندارد، بلکه او موظف به تحقق الزامات تولی و تبری است که مهم‌ترین پایهٔ آن، محبت قلبی است؛ چراکه محبت قلبی نسبت‌به هرکس، گرایش قلبی به او را نیز درپی دارد و گرایش قلبی نیز به‌طور طبیعی، به همانندسازی با محبوب و الگوسازی او در اخلاق و رفتار می‌انجامد.

بیان فلسفهٔ قیام امام حسین علیه‌السلام

بیان فلسفه و چرایی قیام امام حسین علیه‌السلام از دیگر مواردی است که در زیارت اربعین به آن اشاره شده است. در فرازی از زیارت آمده است که امام حسین علیه‌السلام خون قلبش را در راه خدا داد (و نهایت ایثار و فداکاری را کرد) تا بندگان خدا را از جهل و نادانی و حیرت و سرگردانی نجات دهد: «وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِیک حَتَّی اسْتَنْقَذَ عِبَادَک مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَیرَةِ الضَّلَالَةِ.»[1]

این فراز از زیارت اربعین یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های قیام جهانی امام حسین علیه‌السلام را نجات

---

۱. همان.

بشریت از جهالت و حیرت ضلالت و گمراهی معرفی می‌کند. چنان‌که همین مطلب در فلسفهٔ بعثت رسول اکرم ﷺ نیز آمده است. امیرمؤمنان، علی علیه‌السلام می‌فرماید:

فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ.[۱]

خدا به‌وسیلهٔ پیغمبر دو کار کرد: نخست اینکه مردم را بافرهنگ و باسواد کرد و دوم اینکه از ضلالت و گمراهی آن را بیرون ساخت.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی هدف قیام امام حسین علیه‌السلام را همان هدف رسالت پیامبراکرم ﷺ می‌داند و می‌فرماید:

در زیارت اربعین، هدف قیام امام حسین علیه‌السلام همان هدف رسالت نبی اکرم ﷺ دانسته شده است. براساس قرآن و نهج‌البلاغه، هدف رسالت انبیای الهی، دو چیز است: یکی عالِم کردن مردم و دیگری عاقل کردن آنها با تهذیب نفس. کسانی که علم ندارند، دستور خدا را نمی‌دانند و توان تربیت خود

---

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق، خطبهٔ ۱.

یا دیگران را ندارند. برخی نیز عالم‌اند، ولی براثر نداشتن عقل به دانش خود عمل نمی‌کنند. ازاین‌رو، انبیا علیهم‌السلام برای تعلیم و نیز تزکیۀ مردم مبعوث شده‌اند که به مردم خوبی‌ها را بشناسانند و راه خوب را به آنان بنمایانند تا مردم خوب بفهمند و به خوبی‌ها عمل کنند. امام حسین علیه‌السلام نیز که به حساب ملکوت و اتصال نور وجودی، از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله است و صاحب ولایت، «**حسین منّی و أنا من حسین**» باید مردم را عالم و عادل کند؛ یعنی احکام و دستورها و معارف دین را به آنان بیاموزاند و آنان را اهل عمل کند. همۀ اهل‌بیت علیهم‌السلام این وظیفه را به‌عهده داشتند و با تدریس، ارشاد، سخنرانی و نوشتن نامه به وظیفۀ خود عمل می‌کردند؛ ولی سیدالشهدا علیه‌السلام افزون‌بر کارهای یادشده، به‌دلیل یأس از تأثیر اساسی این ابزار، در شرایطی قرار گرفت که خون جگر خود را نیز برای دستیابی به هدف اعطا کرد. تنها آن حضرت علیه‌السلام بود که هم مبارزۀ فرهنگی و سیاسی و اجتهادی داشت، هم نبرد جهادی. چنان‌که در زیارت اربعین آن حضرت می‌خوانیم: «**فَاعْذَرَ فِي الدُّعآءِ وَمَنَحَ النُّصْحَ، وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فيک**

> **لِیسْتَنْقِذَ عِبادَک مِنَ الْجَهالَةِ وَحَیرَةِ الضَّلالَةِ.**» یعنی آن حضرت علیه‌السلام با اتمام‌حجت بر خلق، هر عذری را از امت رفع کرد و آنان را با مهربانی پند و اندرز داد و خون پاکش را در راه تو، ای خدا، نثار کرد تا بندگانت را از نادانی و سردرگمی و گمراهی رهایی بخشد.[1]

آری، امام حسین علیه‌السلام برای بیداری و آگاهی مردم قیام کرد، ولی خواب آنها چنان عمیق، و جهل و ناآگاهی‌شان چنان ریشه‌دار بود که جز خون قلب امام علیه‌السلام و یاران وفادارش این آفت مهم را از مزرعهٔ اسلام دور نساخت. پس بر عاشقان امام حسین علیه‌السلام و عزاداران سرور و سالار شهیدان و مشتاقان زیارت کربلای معلی و خوانندگان زیارت اربعین و متوسلان به عنایات شهدای کربلا، لازم است در کنار توسل و زیارت و عزاداری و عشق به آن پاکان سرفراز، در راه بیداری جامعهٔ خود از خواب غفلت و ناآگاهی بکوشند.

اکنون نیز یزیدیان و پیروان حکومت بنی‌امیه

---

۱. عبدالله جوادی آملی، همان، ص ۲۳۲-۲۳۳.

در سراسر جهان، به‌ویژه کشورهای اسلامی، وجود دارند و در مسیر جاهل نگه داشتن مردم کوشش می‌کنند. امروز نیز مسلمانان و مستضعفان جهان گرفتار سلطه‌های ستمگرند و برخی هم در راه نجات خویش، مبارزه می‌کنند و فریاد دادخواهی آنان بلند است. رسالتِ پناه دادن و یاری رساندن وظیفهٔ عاشوراییان است که به کمک آنان بشتابند. بنابراین، همهٔ ما نسبت‌به بیداری و آگاهی‌بخشی، که خود جهاد بزرگی است، وظیفه داریم. آیا آن‌دسته از دولتمردان به‌ظاهر اسلامی، که با دشمنان شمارهٔ یک مسلمانان، امریکا و اسرائیل، هم‌پیمان شده و در جبههٔ آنها قرار گرفته و علیه مسلمانان مظلوم فلسطین، غزه، عراق و افغانستان، یمن، سوریه موضع‌گیری می‌کنند، درصورت بیداری ملت‌هایشان به ادامهٔ ظلم و جنایت قادر خواهند بود؟[1]

---

۱. ر.ک. ناصر مکارم شیرازی، اهداف قیام حسینی، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان‌نژاد، قم، مدرسهٔ امام علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۸۹، ص۷۳، (با اندکی تصرف و تغییر).

امروزه، دشمن در جنگ ترکیبی همه‌جانبه و در بالاترین سطح و در ابعاد گسترده بـا امپراطـوری رسانه‌ای خود تهاجم و جنگ روانی بی‌سـابقه‌ای را علیه انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهـوری اسلامی، آغاز کرده و درحال پیشروی در محـیط افکـار عمـومی کشـور اسـت؛ بنـابراین، اکنـون پرداختن به این رسـالت اهمیـت مضـاعفی دارد. ازاین‌روست که امام خامنه‌ای دام‌ظله مسـئلۀ جهـاد تبیین را مطرح کرده‌اند و اهتمـام جـدی بـه آن را خواستار شده‌اند. معظم‌له در بیانی می‌فرمایند:

> به مسئلۀ «تبیین» اهمیت بدهید. خیلـی از حقایق هست که باید تبیین بشود. در قبـال این حرکت گمراه‌کننده‌ای که از صد طـرف بـه‌سـمت ملـت ایـران سـرازیر اسـت و تأثیرگـذاری بـر افکـار عمـومی، کـه یکـی از هدف‌های بـزرگ دشـمنان ایـران و اسـلام و انقـلاب اسـلامی اسـت، و دچـار ابهـام نگـه داشـتنِ افکـار و رهـا کـردن اذهـان مـردم و بـه‌خصـوص جـوان‌هـا، «حرکـت تبیـین» خنثی‌کنندۀ این توطئه دشمن و این حرکت دشمن است. امروز خوشبختانه، میدان بـاز است برای انتشار افکار. این فضای عمـومی

در کنار مشکلاتی که ممکن است به‌وجود بیاورد، برکات بزرگی هم دارد؛ می‌توانید افکار درست را، افکار صحیح را منتشر کنید، پاسخ به اشکالات را، پاسخ به ابهام‌آفرینی‌ها را در این فضا با استفاده از این امکان منتشر کنید و می‌توانید در این زمینه به معنای واقعی کلمه جهاد کنید.[۱]

امروز روشنگریِ دینی مهم‌ترین زرهی است که جامعهٔ اسلامی ما می‌تواند بر تن خودش بکند و در مقابل حملات دشمن بایستد.[۲] جهاد تبیین یک فریضه است. جهاد تبیین «یک فریضهٔ قطعی و یک فریضهٔ فوری» است و هر کسی که می‌تواند [باید اقدام کند].[۳]

---

۱. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در پایان مراسم اربعین حسینی، ۱۴۰۰/۷/۵، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=48746.

۲. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار جمعی از روحانیون استان کرمان، ۱۳۸۴/۲/۱۱، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3279.

۳. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار با فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش، ۱۴۰۰/۱۱/۱۹، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49572.

توصیف ویژگی‌های دشمنان سیدالشهدا علیه‌السلام و اهداف پلید آنها از جنایت کربلا

در فراز دیگری از زیارت اربعین، برخی از ویژگی‌های مخالفان و دشمنان سیدالشهدا علیه‌السلام و به هدف آنها از دست زدن به چنین جنایت وحشیانه‌ای اشاره شده است؛ ویژگی‌هایی که ریشه و منشأ گمراهی و ارتجاع امت اسلام را باید در آنها جست‌وجو کرد و از آنها درس عبرت آموخت و از آلوده شدن به آنها پرهیز کرد. تعابیری چون: «غَرَّتْهُ الدُّنْیا؛ فریب‌خوردگان دنیا»، «وَباعَ حَظَّهُ بِالْأَرْذَلِ الأَدْنی، وَشَری آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْکسِ؛ فروشندگان و معامله‌کنندگان آخرت به متاع ناچیز و بی‌ارزش دنیا»، «وَتَرَدّی فی هَواهُ؛ پیروی‌کنندگان از هوای نفس»، «وَاسْخَطَک وَاسْخَطَ نَبِیک؛ به‌خشم‌آورندگان خدا و رسول او»، «وَاطاعَ مِنْ عِبادِک اهْلَ الشِّقاقِ وَالنِّفاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزارِ الْمُسْتَوْجِبینَ النّارَ؛ پیروان منافقان و تفرقه‌افکنان و گناهکاران» ازجمله توصیفاتی است که در این زیارت از قاتلان سیدالشهدا علیه‌السلام با آنها یاد می‌شود. بی‌شک برای استمرار نهضت عاشورا و

زنده نگه‌داشتن ارزش‌های دینی و انسان و نجات انسان از جهالت و گمراهی باید از این اوصاف خانمان‌سوز و گمراه‌کننده و هم دارندگان این اوصاف خودداری کرد؛ چراکه به تعبیر امام خامنه‌ای دام‌ظله:

بشریت همیشه دستخوش شیطنت شیطان‌هاست. همیشه شیطان‌های بزرگ و کوچک، برای تأمین هدف‌های خود، انسان‌ها و توده‌های مردم و ملت‌ها را قربانی می‌کنند... باید به بشر کمک کرد؛ باید به بندگان خدا یاری رساند تا بتوانند خود را از جهالت نجات بدهند و از سرگردانی و گمراهی خلاص بشوند... چه کسی می‌تواند این دستِ نجات را به‌سوی بشریت دراز کند؟ آن کسانی که چسبیده به مطامع و هوس‌ها و شهوت‌ها باشند، نمی‌توانند؛ چون خودشان گمراه‌اند. آن کسانی که اسیر خودخواهی‌ها و منیت‌ها باشند، نمی‌توانند بشر را نجات بدهند. باید کسی پیدا بشود و خودشان را نجات بدهد، یا لطف خدا به سراغ آنها بیاید تا ارادۀ آنها قوی بشود و بتوانند خودشان را رها کنند. آن کسی می‌تواند بشر را نجات بدهد که

دارای گذشت باشد، بتواند ایثار کند و از شهوات بگذرد، از منیت و خودپرستی و خودخواهی و حرص و هوا و حسد و بخل و دیگر گرفتاری‌هایی که معمولاً انسان دارد، بیرون بیاید، تا بتواند شمعی فرا راه بشر روشن کند.[۱]

تبری از دشمنان سیدالشهدا علیه‌السلام

یکی دیگر از مباحثی که در زیارت اربعین بسیار پررنگ است، بحث تبری و دشمنی با دشمنان سیدالشهدا علیه‌السلام که درپی دشمنی با دشمنان خداست. بیزاری و برائت از دشمنان خدا و اهل‌بیت علیهم‌السلام اصل مهم اعتقادی و تکلیف دینی است. تکلیفی که براساس آموزه‌های دینی، بهترین اعمال و دوست‌داشتنی‌ترین آنهاست. چنان‌که در حدیثی آمده است که خداوند به حضرت موسی علیه‌السلام وحی فرستاد آیا هرگز عملی برای من انجام داده‌ای؟ عرض کرد: آری، برای

۱. بیانات امام خامنه‌ای دام‌ظله در دیدار جمعی از فرزندان ممتاز شاهد و جانبازان، ۱۳۶۹/۶/۲۱، دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2354.

تو نماز خوانده‌ام، روزه گرفته‌ام، انفاق کرده‌ام و به یاد تو بوده‌ام. فرمود: ولی نماز برای تو نشانهٔ حق است و روزه سپر آتش و انفاق سایه‌ای در محشر و ذکر نور است. کدام عمل را برای من به‌جا آورده‌ای ای موسی؟ عرض کرد: خداوندا خودت مرا در این مورد راهنمایی فرما؛ فرمود:

هَل وَالَیتَ لِی وَلِیاً وَ هَلْ عَادَیتَ لِی عَدُوّاً قَطُّ؟ فَعَلِمَ مُوسَی أَنَّ أَفْضَلَ اَلْأَعْمَالِ اَلْحُبُّ فِی اَللَّهِ وَ اَلْبُغْضُ فِی اَللَّهِ.[1]

آیا هرگز کسی را به‌خاطر من دوست داشته‌ای، و آیا هرگز کسی را به‌خاطر من دشمن داشته‌ای؟

موسی علیه‌السلام از این پاسخ، دریافت که بهترین اعمال دوست داشتن و دشمن داشتن در راه خداست.

این اصل دارای چنان اهمیتی است که در آموزه‌های دینی بر مهم بودن و اولویت داشتن آن بر تولی تصریح شده است. ازجمله اینکه در قرآن‌کریم کلمه‌های نفی و برائت جلوتر از ایمان

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۶۶، ص ۲۵۲.

و ولایت ذکر شده است.[۱] در روایتی وارد شده است که امام علی‌علیه‌السلام درحال طواف کعبه بود که دید مردی پردهٔ خانه کعبه را گرفته و بر محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان او صلوات می‌فرستد. حضرت بر او سلام فرمود. بار دیگری که همان فرد بر دشمنان محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان او لعنت می‌فرستاد، حضرت بر او سلام نکرد. آن شخص علت را پرسید؟ امام‌علیه‌السلام فرمودند: نخواستم تو را از ذکر لعنی که می‌گفتی، باز دارم؛ چراکه لعن دشمنان محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان او از صلوات بر آن حضرات‌علیهم‌السلام بالاتر است.[۲] نقل شده است که خیاطی دو جامه دوخت و خدمت امام صادق‌علیه‌السلام آورد و عرضه داشت یابن رسول‌الله، یکی از این لباس‌ها را درحالی‌که صلوات می‌فرستادم، دوخته‌ام و دیگری را درحالی‌که دشمنان خاندان محمدصلی‌الله‌علیه‌وآله را لعنت می‌کردم دوخته‌ام. امام صادق‌علیه‌السلام آن لباس

---

۱. «فَمَنْ یکفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَ یؤْمِنْ بِاللَّهِ فقد استَمْسَک بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقی لاَ انْفِصامَ لَها وَ اللَّهُ سَمیعٌ عَلیمٌ» (بقره: ۲۵۶).

۲. ابوالحسن مرندی، مجمع النورین، قم، آل عبا‌علیهم‌السلام، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۰۸.

را که با لعنت کردن دوخته شده بود انتخاب کـرد و فرمود: «آن را بهتر دوست می‌دارم.»[۱]

شاید یک دلیل برتری این باشد کـه دوسـتی و تولی نسبت‌بـه محمـد و آل محمـدﷺ درجـات گوناگونی دارد که سرانجام به جایی می‌رسـد کـه موجب بیزاری و دشمنی با دشمنان می‌شـود. بـه تعبیری دیگر، محبت در مراتب عالیـه بـه برائـت می‌رسد و این خود نشانگر این حقیقت است که تبری نسبت‌به تولی از منزلـت برتـری برخـوردار است.

برائت تنها به این نیست که آدمی از ظالمـان و ستمگران رویگردان باشد، بلکـه بایـد بـا اظهـار بیزاری از آن و هر کسی که به‌گونـه‌ای بـا ظلـم و ستم همـراه اسـت، نیـز همـراه باشـد؛ ازایـن‌رو، کسانی که به‌طور مستقیم بـه اهـل‌بیـت؈ ستم کرده‌اند یا ستمگران را یاری داده‌اند و یا بـه سـتم بـر آنـان راضـی باشـند، هـر سـه گـروه در سـتم

---

۱. ابوالفضل تهرانی، شفاء الصدور، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳، ص ۲۴۶.

سهیم‌اند و دوری و بیزاری جستن از آنها نیز لازم است. از زیارت اربعین استفاده می‌شود که برائت از ظالمان و ستمگران به این است که زائر آنها لعنت کند؛ هم لعن زائر بر قاتلان و کافران و هم درخواست لعن الهی بر آنان که نمونه‌اش در این زیارت وارد شده است: «**اَللّٰهُمَّ فَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبیلاً.**»

بنابراین، همان‌گونه ما وظیفه داریم با ظلم و گناه مبارزه کنیم، باید آشکارا بر دشمنان خدا و حق لعنت بفرستیم. روشن است درخواست لعنت و عذاب خدا بر جنایتکاران عاشورا، روح معادات و تبرّی را می‌رساند و زائر را در خط دشمنی با دشمنان خدا و پیامبرﷺ، ثابت‌قدم‌تر می‌سازد.

ضرورت پیروی از امام و الگو قرار دادن او در زندگی

یکی از برکت‌های ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام این است که مردم به گفتار و رفتار آنان تأسی می‌کنند. درحقیقت، معنای امام همین است؛ او قدم پیش می‌گذارد و معتقدان به امامتِ او از همهٔ گفتارها و رفتارهایش الگو می‌گیرند. در روایت‌ها و

دعاهای گوناگون، به اسوه بودن امامان‌ﻋﻠﻴﻬﻢ‌السلام فراوان اشاره شده است. در زیارت اربعین نیز بر ضرورت تأسی و پیروی از ائمۀ اطهارﻋﻠﻴﻬﻢ‌السلام به زائر تأکید شده است. شیعه و پیرو واقعی امام کسی است که به این اصل اعتقاد قلبی دارد و در عرصۀ عمل نیز به‌طور مطلق در برابر پیشوایان دینی تابع و تسلیم است؛ به‌طوری‌که همواره نظر آنها را بر نظر خود ترجیح می‌دهد، آنها را الگو و اسوۀ زندگی خودش قرار می‌دهد و همواره خود را آمادۀ یاری آنها می‌کند:

> **وَاشْهَدُ انّی بِکُمْ مُؤْمِنٌ، وَ بِایابِکُمْ مُوقِنٌ، بِشَرایعِ دینی وَخَواتیمِ عَمَلی، وَقَلْبی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ، وَامْری لِأَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ، وَنُصْرَتی لَکُمْ مُعَدَّةٌ، حَتّی یأْذَنَ اللَّهُ لَکمْ، فَمَعَکمْ مَعَکمْ لامَعَ عَدُوِّکمْ.**[1]
>
> و گواهی می‌دهم که به شما ایمان دارم و به‌واسطۀ قوانین دینم و عواقب عملم به بازگشت شما مطمئنم و دلم تسلیم دل شما و عملم پیرو عمل شماست، و آمادۀ یاری شمایم تا اینکه خداوند به شما اجازه دهد،

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۳۳۱.

پس آن‌که با شماست با شماست، نه با دشمنان شما.

زنده نگه داشتن روحیهٔ جهاد و شهادت

جهاد و شهادت در فرهنگ اسلامی از ارزش والایی برخوردار است. خداوند در قرآن‌کریم رغبت به جهاد را در ردیف دوستی خدا و پیامبر اکرم‌ﷺ قرار داده است و می‌فرماید:

قُلْ إِنْ کانَ آباؤُکمْ وَ أَبْناؤُکمْ وَ إِخْوانُکمْ وَ أَزْواجُکمْ... أَحَبَّ إِلَیکمْ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ جِهادٍ فی سَبیلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّی یأْتِی اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ اللَّهُ لا یهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقین (توبه: ۲۴).

بگو اگر پدران و فرزندان و برادران و همسران شما... در نظرتان از خداوند و پیامبرش و جهاد در راهش محبوب‌تر است، در انتظار باشید که خداوند عذابش را بر شما نازل کند؛ و خداوند جمعیت نافرمانبردار را هدایت نمی‌کند.

زنده نگه داشتن روحیهٔ جهاد و شهادت در هر ملت، یکی از راهبردهای حقیقی برای حفظ ارزش‌ها و دستیابی به آرمان‌های آن ملت است. چنان‌که امروز، اقتدار و عزت و سربلندی کشور

و آرامش و آسایش موجود در جامعه مرهون همین روحیه و جان‌فشانی‌های شهدا، جانبازان و آزادگان است. بنابراین، ترویج و گسترش فرهنگ جهاد و شهادت در میان قشرهای گوناگون جامعه، به‌ویژه نسل جوان و نوجوان، بسیار مهم و حیاتی است. درمقابل، کم‌رنگ شدن روحیهٔ جهاد و شهادت موجب ذلت و آینده‌ای حقارت‌آمیز برای جامعه خواهد بود. بی‌شک به‌دلیل همین جایگاه و نقش اساسی روحیهٔ جهاد و شهادت است که در زیارت اربعین، با وجود کوتاه بودن آن، چندین بار از واژه‌های مقدس جهاد و شهادت و جان‌نثاری در راه زنده نگه داشتن ارزش‌های الهی سخن به میان آمده است. برای نمونه، در بیان جایگاه فرهنگ شهادت، از آن به‌عنوان نشانه گرامیداشت و اِکرام خداوند به امام حسین علیه‌السلام یاد می‌کند و عرضه می‌دارد: «اَکرَمتَهُ بِالشَّهادَة؛[1] او را به‌واسطهٔ شهادت، گرامی داشتی.»

---

۱. همان.

پ) آثار زیارت اربعین

برای زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام پاداش بسیاری در روایت‌های دینی در نظر گرفته شده است. زیارت اربعین یکی از زیارت‌های معروف برای سیدالشهدا علیه‌السلام است که ازسوی معصومان علیهم‌السلام برای چهلمین روز شهادت امام حسین علیه‌السلام وارد شده است. بی‌شک اجر و فضیلتی که برای زیات امام حسین علیه‌السلام وارد شده، اگر با شرایطی که در روایات آمده است انجام گیرد، شامل زیارت اربعین نیز می‌شود. در اینجا به تناسب بحث، به‌طور خلاصه به برخی از آثار و برکات زیارت حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام اشاره می‌کنیم:

۱. روزی انسان را افزون می‌کند و فقر و فلاکت را از بین می‌برد؛[۱]

۲. گناهان زیارت‌کننده بخشیده می‌شود؛ همچون نوزادی که تازه به دنیا آمده است و هیچ گناهی در پرونده ندارد؛[۲]

---

۱. جعفربن محمدبن قولویه، همان، ص ۴۹۷.

۲. همان، ص ۴۳۲، ۴۴۹ و ۴۹۸.

۳. بر نیکی‌های انسان می‌افزاید؛[1]
۴. شرایط بهشتی شدن انسان را فراهم می‌سازد؛[2]
۵. باعث تسریع ورود انسان به بهشت می‌شود؛[3]
۶. درجات انسان را ارتقا می‌بخشد؛[4]
۷. موجب قبولی دعای انسان می‌شود و آرزوهایش را برآورده می‌سازد؛[5]
۸. انسان را از آتش دوزخ رهایی می‌بخشد؛[6]
۹. موجبات شفاعت زائر در حق دیگران را فراهم می‌سازد؛[7]
۱۰. ثواب هزار حج و عمرهٔ پذیرفته‌شده را دارد؛[8]

---

۱. همان، ص۴۳۳.
۲. همان، ص ۴۳۴.
۳. همان، ص ۴۴۸.
٤. همان، ص ۴۳۵.
٥. همان، ص ۵۵۲.
٦. همان، ص ۴۷۹.
۷. همان، ص ۵۴۷؛ حسین بن محمدتقی نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰، ص۲۵۳.
۸. جفعر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۵۰۷.

۱۱. ثواب جهاد در راه خدا و ثواب هزار شهید از شهدای بدر برای انسان نوشته می‌شود؛[۱]

۱۲. هزار حسنه برایش نوشته و هزار گناهش بخشیده می‌شود؛[۲]

۱۳. معادل ثواب هزار روزه‌دار به انسان اعطا می‌شود؛[۳]

۱۴. عمر انسان را طولانی می‌کند و از جوان‌مرگ شدن و کوتاه شدن عمر انسان جلوگیری می‌کند؛[٤]

۱۵. جان و مال انسان را از آسیب و خطر حفظ می‌کند؛[٥]

۱۶. خداوند متعال خود و اهلش را حفظ می‌کند تا به خویشانش بازگردد و در روز قیامت، حافظ او خواهد بود؛[٦]

---

۱. همان، ص ۴۶۷.

۲. همان، ص ۴۳۵.

۳. همان، ص ۴۶۸.

٤. همان، ص ۴۹۷.

٥. همان، ص ۴۱۸.

٦. همان، ص ۴۳۶.

۱۷. گرفتاری‌های انسان را برطرف می‌سازد؛[۱]

۱۸. در مقابل هزینه‌های مالی که انسان در این راه خرج می‌کند، خداوند هزاران برابر به او اعطا می‌کند؛[۲]

۱۹. فرشتگان الهی برای انسان زائر دعا و درخواست آمرزش می‌کنند[۳] و در وقت رفتن او را بدرقه می‌کنند و اگر انسان در راه وفات کند، او را تشییع، غسل و کفن می‌کنند و بر او نماز می‌گزارند؛[٤]

۲۰. در بهشت هم‌صحبت و همسایه در جوار رسول خدا ﷺ و اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌شود و در یک سفره با آنها غذا می‌خورد؛[٥]

۲۱. ثواب هزار صدقۀ پذیرفته‌شده در نامۀ عمل انسان نوشته می‌شود؛[٦]

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۱۴، ص ۴۲۲.
۲. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۴۰۳.
۳. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۹۸، ص ۲.
٤. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۶۲۱.
٥. همان، ص ۴۶۶.
٦. همان، ص ۴۶۷.

۲۲. خداوند نزد حاملان عرش و فرشتگان مقرب، به زائر امام حسین علیه‌السلام مباهات می‌کند؛

۲۳. ثواب آزاد کردن هزار بنده در راه خدا به او داده می‌شود؛

۲۴. محبت اهل‌بیت علیهم‌السلام را دل انسان تقویت می‌کند؛

۲۵. ایمان انسان را تقویت می‌کند و موجب کمال آن می‌شود؛

۲۶. از فشار قبر و عذاب آن رهایی می‌یابد؛

۲۷. از مکرمین شمرده می‌شود و در زیر پرچم امام حسین علیه‌السلام قرار می‌گیرد؛

۲۸. از وحشت قیامت در امان است و نامهٔ عمل او به دست راستش داده می‌شود؛

۲۹. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، امیرمؤمنان علیه‌السلام و پیامبران و اوصیا علیهم‌السلام با او مصافحه می‌کنند؛

۳۰. مشمول دعای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، امیرمؤمنان علیه‌السلام و فاطمهٔ زهرا علیهاالسلام می‌شود؛

۳۱. تا یک سال از هر بلا و آفتی در امان می‌ماند و فرشتگان الهی از شش جهت نگهبان او می‌شوند؛

۳۲. توفیق زیارت و ملاقات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در روز قیامت را نصیب انسان می‌کند؛

۳۳. از زائران خدا و رسول او شمرده می‌شود؛

۳۴. در روز قیامت بر سفره‌های نور نشانده می‌شود؛

۳۵. سیدالشهدا علیه‌السلام به جبران زیارتش، او را بعد از مرگ زیارت می‌کند و او را شفاعت می‌کند؛[1]

۳۶. جزو فائزین و صادقین شمرده می‌شود؛[2]

۳۷. جزو هم‌نشینان و مصاحبان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام قرار می‌گیرد؛[3]

۳۸. معادل ثواب زیارت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله برای او نوشته می‌شود؛[4]

۳۹. خداوند متعال او را در اعلی علیین قرار می‌دهد؛[5]

---

۱. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۱۰۱، ص ۱۶.

۲. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۴۳۱.

۳. همان، ص ۴۴۷؛ محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۲۵.

٤. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۴۹۱.

٥. همان، ص ۴۸۵.

۴۰. بلا، امور بد و شر را از انسان دفع می‌کند؛[۱]
۴۱. مشمول استغفار اهل‌بیت علیهم‌السلام قرار می‌گیرد؛[۲]
۴۲. از سختی‌های روز قیامت رهایی می‌یابد؛[۳]
۴۳. در عقاید برحق، آرامش قلب و اطمینان‌خاطر به بار می‌آورد و شبه‌ها و نگرانی‌ها را برطرف می‌کند؛[٤]
۴۴. از مرگ‌های ناگوار و شقاوتمندانه مصون می‌دارد؛[٥]
٤٥. مشمول رحمت الهی می‌شود؛[٦]
٤٦. موجبات شادی و سرور دل اهل‌بیت علیهم‌السلام را فراهم می‌سازد.[٧]

---

۱. همان، ص ۴۹۴.
۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۴، ص ۴۲۳.
۳. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۲۷۸.
٤. محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، همان، ج ۱۰۱، ص ۸۶.
٥. همان، ج ۱۰۱، ص ۴۸.
٦. جعفر بن محمد بن قولویه، همان، ص ۳۲۸.
٧. حسین بن محمدتقی نوری، همان، ج ۱۰، ص ۳۴۳.

کتابنامه

قرآن کریم.

شریف الرضی، محمد بن حسین. نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ق.

جعفربن محمد علیه السلام [امام ششم]. مصباح الشریعه، ترجمه و شرح عبدالرزاق گیلانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷.

ابن بابویه قمی(شیخ صدوق)، محمدبن علی. الامالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶.

______. الخصال، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم، جامعهٔ مدرسین، ۱۳۶۲.

______. عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران، جهان، ۱۳۷۸.

ابن شهرآشوب، محمد بن علی. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.

ابن طاووس، علی‌بن موسی. اقبال الاعمال، تهران، درالکتب الاسلامیه، ۱٤۰۹ق.

ابن قولویه، جعفربن محمد. کامل الزیارات، ترجمهٔ محمدجواد ذهنی تهرانی، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷.

امین، سیدمحسن. اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ق.

بحر العلوم، محمدمهدی‌بن مرتضی. رسالۀ سیر و سلوک، مقدمه و شرح سیدمحمدحسین حسینی طهرانی، تهران، علامه طباطبایی، ۱۳۹۲.
پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری. دسترسی در: https://farsi.khamenei.ir.
تهرانی، ابوالفضل. شفاء الصدور، تهران، مرتضوی، ۱۳۸۳.
جمعی از پژوهشگران. موکب کلمات (ره‌توشۀ مناسک اربعین حسینی)، قم، اداره‌کل پژوهش‌های اسلامی رسانه، ۱۳۹۸.
جوادی آملی، عبدالله. شکوفایی عقل در نهضت حسینی، قم، اسراء، ۱۳۹۳.
حر عاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه، قم، مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۹ق.
حلی، حسن بن یوسف. منتهی الطلب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۹۷.
داودی، سعید و مهدی رستم‌نژاد. عاشورا ریشه‌ها، انگیزه‌ها، رویدادها، پیامدها، قم، مدرسۀ امام علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۸۸.
سبط‌بن جوزی، یوسف بن قزاوغلی. تذکرة الخواص، قم، شریف رضی، ۱۳۷۶.
طبری، محمدبن جریر. تاریخ طبری، بیروت، مؤسسۀ اعلمی، ۱۴۰۳ق.

طوسی، محمدبن حسن. مصباح المتهجد و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسۀ فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.

ــــــ. تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

فتال نیشابوری، محمد بن احمد. روضة‌الواعظین، قم، رضی، ۱۳۷۵.

قاجار، فرهاد میرزا. قمقام زخّار و صمصام بتار، تهران، اسلامیه.

قمی، عباس. سفینة البحار، قم، اسوه، ۱۴۱۴ق.

ــــــ. مفاتیح الجنان، تهران، نبوی، ۱۳۸۸.

کلینی، محمدبن یعقوب. الکافی، تحقیق علی‌اکبر غفاری، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۴۰۷ق.

مجلسی، محمدباقر. بحارالأنوار، بیروت، دارإحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

ــــــ. زادالمعاد، تحقیق علاءالدین اعلمی، بیروت، موسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق.

محمدی ری‌شهری، محمد. میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۷.

مرندی، ابوالحسن. مجمع النورین، قم، آل عبا علیهم‌السلام، ۱۳۸۱.

مفید، محمدبن محمد. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگرۀ شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

مقرم، سیدعبدالرزاق. سالار کربلا، حسین‌بن علی علیهما‌السلام، قم، سیدالشهدا علیه‌السلام، ۱۳۸۲.

مکارم شیرازی، ناصر. اهداف قیام حسینی، تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان‌نژاد، قم، مدرسۀ امام علی‌بن ابی‌طالب علیه‌السلام، ۱۳۸۹.

نظری منفرد، علی. قصۀ کربلا، تهران، سرور، ۱۳۷۹.

نوری، حسین‌بن محمدتقی. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسۀ آل‌البیت علیهم‌السلام، ۱۴۰۸ق.

هاشمی خوئی، میرزا حبیب‌الله. منهاج البراعة فی شرح نهج‌البلاغة، ترجمۀ حسن حسن‌زادۀ آملی و محمدباقر کمره‌ای، تصحیح ابراهیم میانجی، تهران، مکتبة الإسلامیة، ۱۴۰۰ق.